

ردپای استثمار در جهان کودکی

پژوهشی جامع در خصوص اشکال، علل و پیامدهای کار کودکان

کامیل احمدی¹

چکیده

تعدادی از مطالعات برخی از اشکال کار کودکان از جمله کار در خیابان را مطالعه کرده‌اند، اما مطالعه‌ای وجود ندارد که به‌صورت نظام‌مند به اشکال مختلف کار کودکان، زمینه‌ها، ویژگی‌ها و پیامدهای آن‌ها در شهر تهران بپردازد. در این مطالعه² با استفاده از روش کیفی به مطالعه اشکال کار کودکان در تهران پرداخته شده است. مطالعه با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است و برای گردآوری داده‌ها از فنون مصاحبه و مشاهده بر مبنای روش نمونه‌گیری هدفمند، گلوله برفی و نظری استفاده شده است. جامعه مطالعه پژوهش سه دسته کودکان، کارفرمایان آنان و متخصصان حوزه کودکی هستند. به‌منظور تحلیل یافته‌ها از روش کدگذاری سه مرحله‌ای برای ساخت نظریه کار کودکان استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد کودکان در شهر تهران به اشکال مختلفی از کارها از جمله بدترین شکل کارها مشغول به کار هستند. مناسبات این کارها از سه دسته خویشاوندی، کارفرمایی و سازمان‌یافته است. زمینه‌های عمده کار کودکان شکاف توسعه در پهنه سرزمینی کشور، جنگ و فقر در کشور افغانستان، فقر خانوارها، فرهنگ برخی از اجتماعات درباره کودک و کار کودک، بازار کار غیررسمی و زمینه‌های قانونی و اجرای قانون است. همچنین دلایل کودکان و خانواده‌های آنان به‌منظور کار تأمین بخشی از هزینه‌ها، یادگیری مهارت در غیاب پیوند بین تحصیل و اشتغال و عدم امکان رفتن به مدرسه است. راهبردهای عمده کودکان و خانوارهای آنان تعدادی از کنش‌ها به‌منظور ارتقاء و درآمد بیشتر و کاهش مخاطرات کار است. کودکان در کار علاوه بر آنکه استثمار می‌شوند، اشکال مختلف کارها بسته به شرایط و ویژگی‌هایشان به‌سلامت جسم و روان آنان آسیب می‌زنند و در اجتماعی‌شدن مؤثر آنان اختلال به همراه می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: استثمار، بدترین شکل کار کودکان، کار کودک، فقر، ویژگی‌های اشکال کار کودک، مخاطرات کار کودک.

¹ Kameel.ahmady@gmail.com. محقق و مردم‌شناس: <http://kameelahmady.com>

احمدی، کامیل و همکاران (1400)، ردپای استثمار در جهان کودکی، انتشارات آوی بوف،² دانمارک

بیان مسئله

کار کودکان در جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌طور غیرقابل قبولی رایج است. در آغاز سال 2020، یعنی قبل از شیوع ویروس کووید 19، 160 میلیون کودک - 97 میلیون پسر و 63 میلیون دختر - مشغول به کار بودند؛ یعنی از هر ده نفر یک نفر در سراسر جهان. این نسبت در میان کشورهای جهان یعنی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به‌صورت نامتناسبی توزیع شده است. کار کودکان به ترتیب در مناطقی مانند جنوب صحرای افریقا (86.6 میلیون)، آسیای مرکزی و جنوبی (26.3 میلیون)، آسیای شرقی و جنوب شرقی (23.4 میلیون)، شمال آفریقا و غرب آسیا (10.1 میلیون)، آمریکای لاتین و دریای کارائیب (8.2 میلیون) و اروپا و آمریکای شمالی (3.8 میلیون) رایج است (سازمان بین‌المللی کار و یونیسف، 2021). براساس برآوردها در ایران نیز کار کودکان با احتساب کودکان خانهدار 15 درصد از کودکان 10 تا 18 ساله کشور را در برمی‌گیرد و جمعیت کودکان فعال برابر با 1.62 میلیون نفر است (وامقی و یزدانی، 1398).

یونیسف کار کودک را به‌عنوان «کاری که از حداقل ساعات بیشتر است، بسته به سن کودک و نوع کار» تعریف می‌کند. چنین کارهای مضر تلقی می‌شوند و لازم است حذف شوند (یونیسف، 2007). در بسیاری از مناطق جهان کار کودک به‌عنوان نقص حقوق کودکان تلقی می‌شود (سازمان ملل متحد، 1990). کودکان کار از سوی کارفرما و اعضای خانواده دائماً در معرض استثمار، سوءاستفاده و خشونت قرار می‌گیرند (جها، 2009).

در دو دهه گذشته موضوع کار کودکان در ایران مورد مطالعه بوده است به‌گونه‌ای که مطالعات نسبتاً خوبی درباره برخی از اشکال کار همچون کارهای خیابانی انجام شده است درحالی‌که کمتر به مطالعه برخی از کارهای دیگر همچون کار در کارگاه‌ها، بخش غیررسمی، کار خانگی و کار کودکان در روستاها پرداخته شده است. گسترش بخش غیررسمی باعث تقویت فقر، نابرابری، استثمار مفرط فقرا شده است به‌گونه‌ای که اقشار ضعیف‌تر از لحاظ جنس و سن یعنی زنان و کودکان، بیش‌ترین کارگران بخش اقتصاد غیررسمی هستند. بسیاری از مشاغل در اقتصاد غیررسمی عواقب جسمی و روانی زیادی برای کودکان به همراه دارد. کار پنهان کودک در محیط‌های بسته همچون در کارگاه نیز نوعی از مشاغل پرخطر محسوب می‌شود؛ چراکه از چشم‌ها پنهان باقی‌مانده است. کار در کارگاه‌های کوچک، کارگاه‌های خانگی و در موارد بسیاری کارگاه‌های غیرقانونی در بخش غیررسمی آسیب‌های بسیاری را با خود به همراه دارد؛ کودکان در محیط‌های بسته کاری آزادی عمل کم‌تری را تجربه می‌کند و توانایی کم‌تری در دفاع و مراقبت از خود دارند. وجود فضاهای دلگیر، خفه و پرخطر کارگاه‌های زیرزمینی، احتمال استثمار و آزار کودک را بیشتر می‌کند. در مورد کارگاه‌های مختلف و شرایط کاری کودکان در این محیط‌ها کم‌ترین اطلاعات موجود است چراکه مشخص نیست در روز چند ساعت از کودک کار می‌کشند، چه میزان دستمزد به کودک می‌دهند، چگونه پول را پرداخت می‌کنند و مانند این‌ها. به‌غیر از کار در خیابان، بخش غیررسمی و کارگاه‌ها، کودکان در طیف وسیعی دیگر از کارها همچون کشاورزی و کارخانگی کار می‌کنند. شواهد نشان می‌دهند طیف وسیعی از کودکان در کارهای نامبرده کار می‌کنند که با خطرات بسیاری همراه است (یونیسف، 2007). از این‌رو لازم است اشکال کار کودکان شناسایی و ویژگی‌های آن‌ها به لحاظ ماهیت، شرایط و مخاطرات کار مورد مطالعه قرار گیرند. لذا هدف پژوهش حاضر این است که با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای اشکال مختلف کار کودکان و ویژگی‌های آن‌ها را در شهر تهران مطالعه کند.

سوال‌های پژوهش

اشکال عمده کار کودکان در شهر تهران و ویژگی‌های آن‌ها کدام‌اند؟ زمینه‌های این کارها چیست‌اند و چه پیامدهای را برای کودکان به همراه دارند؟

مرور ادبیات

ادبیات نظری

کار کودکان «اغلب به عنوان کارهایی تعریف می‌شود که کودکان را از دوران کودکی، پتانسیل و شأنشان محروم می‌کند و برای رشد فیزیکی و روانی آن‌ها مضر است» و به کارهای اشاره می‌کند که دارای خصوصیات ذیل‌اند: به لحاظ جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی خطرناک‌اند و برای کودکان مضر هستند. در موارد زیر مانع تحصیل کودکان می‌شود: الف) آنان را از فرصت حضور در مدرسه محروم می‌کند، آنان را قبل از اتمام تحصیل بر ترک تحصیل مجبور می‌کند. یا آنان را مجبور می‌کند حضور در مدرسه را با کار بیش از حد طولانی و سنگین ترکیب کنند (سازمان بین‌المللی کار؛ به نقل از: وامقی و یزدانی، 1398: 97).

اتحادیه کارگری بین‌المللی به فهرستی از اشکال کار کودکان اشاره می‌کند که شامل گسترده‌ترین و بدترین شکل آن‌ها است، گرچه این لیست شامل تمام اشکال موجود کار کودکان نمی‌شود. این اشکال عبارت‌اند از: 1) کار خانگی: شکلی از کار کودکان است که بسیار شایع و گاه پذیرفتنی است؛ این شکل از کار یا در منزل انجام می‌شود یا بیرون از منزل. 2) کار کشاورزی: بسیاری از کودکان در بخش کشاورزی به کار مشغول‌اند. آن‌ها معمولاً در مزارع خانوادگی همراه خانواده خود به عنوان واحد تولیدی یا برای کارفرمای دیگری کار می‌کنند. 3) کار در صنایع: کار در بخش صنایع می‌تواند به صورت منظم یا اتفاقی، قانونی یا غیرقانونی و به عنوان بخشی از کار خانواده یا برای کارفرما انجام شود. این کارها کودکان را در معرض مواد شیمیایی قرار می‌دهد که ممکن است برای آنان مسمومیت، بیماری‌های تنفسی و پوستی، آتش‌سوزی و انفجار، آسیب‌های بینایی و شنوایی، سوختگی و حتی مرگ را به دنبال داشته باشد. 4) کار در معادن: در بسیاری از کشورها، در بخش معدن، از کار کودکان استفاده می‌شود. 5) برده‌داری و کار اجباری: این شکل از کار بیشتر در مناطق روستایی یافت می‌شود و با ظلم به اقلیت‌های قومی و مردم بومی صورت می‌گیرد. 6) روسپی‌گری و قاچاق کودکان: خطرهایی که کودکان در این بخش با آن مواجه‌اند بسیار شدید است و طیف گسترده‌ای از آسیب‌ها، از فساد اخلاقی تا انتقال بیماری‌های جنسی و مرگ را در برمی‌گیرد؛ و 7) کار در بخش اقتصاد غیررسمی: کار در این بخش نیز طیف وسیعی از فعالیت‌ها مانند واکس‌زدن کفش، تكدی‌گری، فروش روزنامه یا زباله‌گردی را شامل می‌شود که برخی از این فعالیت‌ها از دید عموم پنهان‌اند و برخی دیگر در معرض دید عموم قرار دارند. محیط کاری این بخش عموماً خیابان است (دیالو و دیگران، 2013).

برخی از شکل‌های کار کودکان که با عنوان بدترین اشکال کار کودکان شناخته شده‌اند، باعث می‌شود تا کودکان به بردگی کشیده شوند، از خانواده‌های خود جدا شوند، در معرض انواع خطرات و بیماری‌های جدی قرار گیرند یا سبب حضور کودکان در خیابان‌های کلان‌شهرها به خصوص در سنین پایین شوند. این اشکال عبارت‌اند از: 1) تمام اشکال بردگی یا مشابه برده‌داری، مانند فروش و قاچاق کودکان، بردگی و اسارت یا به کارگیری اجباری کودکان در منازعات مسلحانه؛ 2) به کارگیری، تدارک یا عرضه کودک برای روسپی‌گری، تولید پورنوگرافی یا اجرای پورنوگرافی؛ 3) به کارگیری و تدارک کودک برای فعالیت‌های غیرقانونی به ویژه برای تولید و قاچاق مواد مخدر و 4) کارهایی که بر اساس ماهیت یا شرایطشان برای سلامت و امنیت و اصول اخلاقی کودکان مضر است (همان).

نظریه‌ها و مطالعات زیادی به دنبال تبیین کار کودکان بوده‌اند. برای شناخت کار کودکان می‌بایست عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قانونی در نظر گرفته شود، این عوامل باهم دیگر ارتباط دارند و در محیط‌های نزدیک (همچون خانواده و مدرسه) و دور (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی) کودکان درهم تنیده‌اند. در اینجا برای تبیین کار کودک از نظریه نظام‌های بوم‌شناختی برونفبرنر (1994) استفاده می‌شود چراکه این نظریه چارچوبی یکپارچه برای درک عوامل چند سطحی مؤثر بر کار کودکان فراهم می‌کند. این نظریه به مثابه ابزار تنظیم فکر عمل می‌کند و بخش‌های مختلف آن را می‌توان با مطالعات حوزه کودکی کامل کرد. با توجه به چارچوب اکولوژیکی پیشنهادشده، عوامل زمینه‌ای شامل سطوح زمانی³، کلان، بیرونی، میانه و خرد هستند که باهم دیگر در تعامل هستند. لایه‌های بالایی لایه‌های پایین‌تر را شکل می‌دهند، بنابراین اثر ریزش به پایین⁴ را ایجاد می‌کنند که به مسئله کار کودکان منجر می‌شوند.

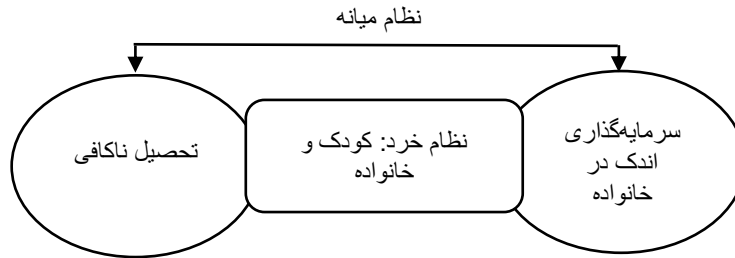
نظام زمان: زمینه تاریخی

نظام کلان: نظام سیاسی-اقتصادی، قوانین و فرهنگ

نظام بیرونی: حکومت، ادراکات عمومی

3. chrono

4. trickle-down effect



شکل شماره 1. عوامل زمینه‌ای مؤثر در کار کودکان، بر اساس چارچوب اکولوژیکی برونفبرنر (لیائو و هونگ، 2011: 568)

برونفبرنر نظام زمان را به‌عنوان گذار زمان تعریف کرد که تغییر یا ثبات در طول زمان در ویژگی‌های فردی یا محیطی که فرد در آن قرار دارد را میانجی‌گری می‌کند. در زمینه کار کودکان این نظام به تغییر و تحولات کار کودکان در طی زمان اشاره می‌کند.

نظام کلان: به‌عنوان طرح فرهنگی برای ساختارها و فعالیت‌های اجتماعی در سایر سطوح نظام در نظر گرفته شده است. سطح کلان نظام شامل باورهای فرهنگی، فرصت‌ها و خطرات ساختاری است که شرایط و فرایندهای نظام خرد را شکل می‌دهد. این عوامل عبارت‌اند از نظام سیاسی-اقتصادی، قوانین کار کودکان و ارزش‌های فرهنگی. در نظام سیاسی و اقتصادی نابرابری و فقر از عوامل تعیین‌کننده کار کودکان است. نابرابری باعث توزیع چوله منابع در میان اقشار جامعه می‌شود و به فقر اقشار پایین دامن می‌زند، خانوارهای این اقشار نیز به‌منظور جبران بخشی از هزینه‌هایشان کودکانشان را وارد چرخه کار می‌کنند. رانجان نشان داده است که نابرابری در درآمد به‌صورت مثبت با کار کودکان رابطه دارد، چراکه کارگرانی که بهره‌وری پایین و در نتیجه، درآمد کمتری دارند، کمتر قادرند در حوزه تحصیل فرزندانشان سرمایه‌گذاری کنند (وایت⁵، 2009). حتی اگر در اجتماع فرصت‌های متناسب با تحصیلات وجود نداشته باشد، والدین کودکانشان را از فرستادن به مدرسه یا ادامه آن منع می‌کنند، چراکه فکر می‌کنند تحصیل تنها باعث هدر رفت زمان یادگیری مهارت‌های شغلی و اشتغال می‌شود (امرسون و ناب، 2006). همچنین نابرابری به مهاجرت از مناطق روستایی به شهری دامن می‌زند و به تولید فقر شهری می‌انجامد (سنسوی بهار، 2014). مهاجرات حتی می‌تواند در عرصه بین‌المللی رخ دهد. زمینه‌های قانونی به قوانینی اشاره دارد که کار کودکان را منع نمی‌کنند و یا در صورت منع سازوکارهای برای اجرای قوانین تدارک نمی‌بینند.

چگونگی تعریف جامعه از دوران کودکی بر شیوه‌های کار کودکان تأثیر می‌گذارد. اعضای برخی از اجتماعات بر این باوراند کار برای کودکان می‌تواند منجر به اجتماعی‌شدن سالم آن‌ها در دنیا کار و بزرگ‌سالی شود (فایف⁶، 1989). برای مثال قبل از انقلاب صنعتی کار کودکان معمول بود و آنان همراه با والدین خود در مزارع یا خانه کار می‌کردند. حتی زمانی که کار کودک با محیط خانوادگی در ارتباط و همچنین معمول نیست، مفید دیده می‌شود، چراکه به درآمد خانواده کمک می‌کند و آنان را برای ورود به بازار کار در آینده آماده می‌کند، همچنین به آن‌ها کمک می‌کند تا از فعالیت‌های خیابانی خطرناک همچون جرم و فحشا دورنگه داشته شوند (ولف و دیکسون⁷، 2002).

نظام بیرونی: این نظام از روابط بین دو یا چند خرده سیستم تشکیل شده است، اما فرد مستقیماً در یکی از آن‌ها درگیر است. برای مثال اگرچه سیاست‌های دولت و برداشت‌های عمومی از حقوق کودکان به‌طور مستقیم بر کار کودکان تأثیر نمی‌گذارد اما می‌تواند محیط خانواده و مدرسه کودکان را شکل دهد، یا عدم به رسمیت شناختن عمومی کار کودکان به‌عنوان نقض حقوق بشر از سوی دولت باعث ایجاد بی‌علاقگی و پذیرش نسبت به کار کودکان می‌شود (لیائو و هونگ، 2011).

نظام میانه: به‌عنوان روابط متقابل بین دو یا چند خرده نظام که شامل افراد می‌شود ترسیم شده است. تعاملات در یک خرده نظام (مثلاً خانواده) ممکن است بر تعاملات در دیگری تأثیر بگذارد (همچون مدرسه). عدم دسترسی به تحصیلات یکی از تعیین‌کننده کار کودکان است. احتمالاً کودکان به‌ویژه در مناطق روستایی به دلیل محیط بد مدرسه، ترک تحصیل می‌کنند.

5. White

6. Fyfe

7. Wolfe and Dickson

کمبود منابع آموزشی، معلمان فاقد صلاحیت و امکانات نامطلوب مدرسه به تدریج منجر به افزایش ترک تحصیل می‌شود. جوانانی که دسترسی اندکی به منابع آموزشی کافی دارند یا اصلاً دسترسی ندارند، گزینه‌های کمی دارند جز اینکه به عنوان کودک کار درآیند. در این خرده نظام یکی دیگر از عوامل کار کودکان فقدان مشارکت والدین است. عدم مشارکت والدین در آموزش فرزندان، همراه با تحصیل ناکافی، احتمال کار کودکان را افزایش می‌دهد. سطح تحصیلات والدین و ادراک آن‌ها در مورد اهمیت آموزش، تعیین‌کننده اصلی حضور کودکان در مدرسه است (لیائو و هونگ، 2011).

نظام خرد: این نظام شامل اثرات مستقیمی است که افراد یا گروه‌های از افراد را در برمی‌گیرد. این سطح به عنوان الگوی از فعالیت‌ها، نقش‌های اجتماعی و روابط بین فردی که فرد در یک محیط مستقیم تجربه می‌کند به تصویر کشیده شده است (برونفبرنر، 1994).

محیط خانواده: فقر خانوارها یکی از علل اصلی کار کودکان است. برای بسیاری از خانوارهای فقیر بقاء آن‌ها بستگی به این دارد که همه اعضای خانواده در تأمین نیازها مشارکت داشته باشند. کار کودک به عنوان رفتاری منطقی تأمین‌کننده بخشی از منبع درآمد خانواده است. برای مثال در برخی از کشورها همچون چین به دلیل اینکه آموزش ابتدایی رایگان نیست خانواده‌های فقیر قادر به تأمین هزینه‌های آن نیستند و گزینه‌های کمی برای کودکان به جز کار باقی می‌ماند (لیائو و هونگ، 2011). همچنین سطح تحصیلات خانوار (تحصیلات پایین)، اندازه آن (خانواده‌های پرجمعیت) و باورهای والدین منجر به مشارکت کودکان در کار می‌شود. این‌که والدین چگونه دوران کودکی و کار کودک را تصور می‌کنند، بر فرآیندهای تصمیم‌گیری و شیوه‌های تربیت فرزندان تأثیر می‌گذارد (سنسوی بهار، 2014).

ویژگی‌های کودک: ویژگی‌های همچون سن، جنسیت، موقعیت جغرافیایی محل زندگی و ترتیب تولد می‌تواند تعیین‌کننده کار کودکان و شکل آن باشد. در خانوارهای که دارای چند فرزند هستند، کودکان بزرگتر به دلیل توانایی‌های فیزیکی، مهارت‌های اجتماعی یا بلوغ، بیشتر درگیر کار می‌شوند (گروتارت و کانبور⁸، 1995) یا کار کودکان در مناطق روستایی بیشتر شایع است و دختران در این مناطق بیشتر از مناطق شهری کار می‌کنند (وامقی و یزدانی، 1398). سن و جنسیت همچنین تعیین‌کننده شکل کار کودک است. برای مثال کار کودکان در خیابان در بعد از 15 سالگی کاهش پیدا می‌کند چراکه این دسته از کودکان جذابیتشان را برای برانگیختن همدلی مشتریان بالقوه از دست می‌دهند و ممکن است به مشاغل دیگر روی بیاورند (سنسوی بهار، 2014).

ادبیات تجربی

بسیاری از پژوهش‌های در جهان کار کودکان را محصول فقر خانواده‌ها دانسته‌اند به گونه‌ای که خانوارهای فقیر بخشی و حتی در برخی از مواقع همه هزینه‌های زندگی خود را از راه کار کودکان تأمین می‌کنند (خان و هسکت، 2010؛ کانگراجل و نیلسن، 2001؛ سالمون، 2005؛ سنسوی بهار، 2014 و 2016؛ کاظمی، 2012؛ ماکوناچی و هیلسونگ، 2016)، پژوهش‌های داخلی نیز فقر خانوارها را یکی از پیشران‌های کار کودکان شناسایی کرده است. فقر خانوارها جلوه‌های مختلفی دارد که اهم آن‌ها عبارت‌اند از بی‌سوادی و کم‌سوادی والدین، بیکاری، کار فصلی و روزمزد، فقدان درآمد مکفی، زن سرپرست بودن خانوار و تعداد بالای اعضای خانوار. عواملی همچون اعتیاد و تن‌فروشی که از جلوه‌های فقر هستند باعث خروج کودکان از خانواده می‌شوند، یا کودکان خانواده‌های دارای اعتیاد در کنار تأمین هزینه‌های خانواده، در برخی از موارد هزینه‌های مواد مخدر را نیز تأمین می‌کنند (افراسیابی و دیگران، 1400؛ حسینی، 1384؛ زارع شاه‌آبادی و دیگران، 1388؛ قاسمی و دیگران، 1397؛ وامقی و دیگران، 1390؛ 1392 و 1394). رئیس دانا (1382) سیاست‌های بازارگرایی و تعدیل ساختاری افراطی را علل فقر بخشی از خانوارها و کار کودکان می‌داند، در کنار این علل او به عوامل دیگری همچون بی‌عدالتی، نبود نظارت‌های دولتی در دفاع از حقوق کودکان و نبود نظارت‌های تضمینی اشاره می‌کند. افزایش هزینه‌های تحصیل جلوه‌ای دیگر از فقر است. برخی از مطالعات نشان داده‌اند یکی از دلایل کودکان برای کار تأمین هزینه‌های تحصیل است. همچنین ناتوانی تأمین هزینه‌های تحصیل به خارج شدن از چرخه تحصیل و کار منجر می‌شود. نداشتن اسناد شهروندی همچون شناسنامه نیز باعث می‌شود کودکان نتوانند به تحصیل بپردازند از این‌روی چیزی به جز کار برای آنان باقی نمی‌ماند (افراسیابی، 1400؛ وامقی و دیگران، 1392). برخی از مطالعات نشان داده‌اند کاربردی نبودن تحصیلات باعث شده خانواده‌ها کودکانشان از مدرسه خارج کنند و وارد چرخه کار کنند، چراکه بر این باورند تحصیل منجر به اشتغال برای آنان نمی‌شود (کریمیان و دیگران، 1395).

سنسوی بهار⁹ (2016) با بررسی دیدگاه مادران کُرد در ترکیه نشان داده است ترتیب تولد، جنسیت و موفقیت یا ادامه تحصیل عوامل مهم در فرایند تصمیم‌گیری برای کار کودکان است به‌گونه‌ای که کودکان بزرگسال‌تر بیشتر در کار مشارکت دارند و ترتیب تولد با چشم‌انداز تحصیلی کودکان تعدیل می‌شود. جنسیت تأثیری بر اینکه آیا کودکان کار کنند یا خیر نداشت اما در تعیین محل کار کودکان مؤثر بوده است. یافته‌ها بین کار کودکان و تحصیلات نیز دوسویه بوده است، به‌گونه‌ای که کار کودک بر تحصیل اثرگذار بود اما موفقیت و حضور در مدرسه تصمیمات کار کودکان را شکل داده است.

مهاجرت‌های داخلی و خارجی که ناشی از نابرابری و جنگ است منجر به اسکان طیف گسترده‌ای از فقرا و جنگ‌زدگان در کلان‌شهرها شده است. بسیاری از این مهاجران نمی‌توانند با شیوه‌های زندگی در جامعه شهری خود را انطباق دهند آنگاه کار برای کودکان آنان یک جایگزین است (خان و هسکت، 2010؛ زارع شاه‌آبادی 1388 و وامقی و دیگران، 1390). نگرش‌های فرهنگی به کار کودکان از این لحاظ که کار، کودکان را برای زندگی آینده آماده می‌کند یکی دیگر از عوامل است. البته این نگرش‌های و عوامل آن‌ها در میان اجتماعات مختلف همچون کولی‌ها و روستایان متفاوت است (وامقی و دیگران، 1392؛ ایمانی و نرسیسیانس، 1390). عوامل دیگری همچون نابسامانی خانواده از جمله طلاق، بی‌سرپرستی یا سرپرست نامناسب، زندگی با نامادری و ناپدری، قومیت (کودکان گروه‌های قومی بیشتر کار می‌کنند)، جنسیت (پسران بیشتر از دختران در کار حضور دارند)، سن (کودکان بزرگسال‌تر بیشتر کار می‌کنند)، درگیر با مسائل دیگر همچون آسیب‌های اجتماعی منجر به کار کودکان شده‌اند. تعدادی از مطالعات نشان داده‌اند کودکانی که در خانواده خشونت را تجربه می‌کنند برای دور ماندن از این فضا به خیابان‌ها و کار در آنجا روی می‌آورند (قاسمی و دیگران، 1397 و وامقی و دیگران، 1390). به لحاظ سویه تقاضا نیز مطالعات نشان داده‌اند کودکان نیروی کار ارزان، مطیع، بدون توقع و فاقد آگاهی از حق و حقوقشان برای کارفرمایان هستند، از این رو آن‌ها ترجیح می‌دهند کودکان را به‌کارگیرند (کریمیان، 1395).

کار همچنین با پیامدهای زیادی همراه است، شناسایی پیامدهای کار کودکان خیابانی مورد توجه مطالعات بوده است به‌گونه‌ای که مواردی همچون طولانی بودن ساعات کار، وضعیت تغذیه نامناسب، گرسنه ماندن، تحمل سرما و گرما، تصادف با ماشین، مریض شدن، تجربه خشونت‌ها، قربانی جرم‌شدن، دستگیری و توقیف اجناس، احساس شرمندگی و حقارت، عدم برخورداری از عوامل محافظت‌کننده همچون مدرسه، حمایت‌های خانوادگی، تماس با دارو دسته‌های خیابانی، یادگیری رفتارهای پرخطر همچون اعتیاد و بزه‌کاری، بیماری‌ها (داخلی، اسکلتی و عضلانی، پوستی همچون سالک و قارچ پوست، ویروسی از جمله هپاتیت)، دزدیده شدن به‌ویژه برای دختران را شناسایی کرده‌اند (قاسمی و دیگران، 1397؛ وامقی و دیگران، 1390 و 1392).

کودکانی که در بخش کشاورزی کار می‌کنند به‌ویژه کودکان روستایی نیز در معرض مخاطرات سلامت زیادی قرار دارند، اما به دلیل تعداد زیادی افرادی که در این بخش کار می‌کنند، سن پایین شروع به کار، ماهیت خطرناک کار، فقدان مقررات، نامرئی بودن کار، محرومیت از تحصیل، اثرات فقر و نگرش‌ها و تصورات ریشه‌دار در مورد کار کودکان در مناطق روستایی مقابله با آن دشوار است. از عمده مسائل مرتبط با سلامت در این بخش عبارت‌اند از ساعات کار طولانی، سخت و طاقت‌فرسا بودن به لحاظ فیزیکی، کار در گرمای شدید و گرم‌زدگی، کار با ابزار آلات برش خطرناک، ضخمی شدن و صدمه دیدن به دلیل سقوط اشیاء، اختلالات اسکلتی، دررفتگی و پیچ‌خوردگی عضلات، کشیدگی، مسائل پوستی، مجروح و کشته شدن توسط وسایل نقلیه، قرار گرفتن در معرض صدای بلند که می‌تواند به شنوایی آسیب برساند، قرار گرفتن در معرض آفت‌کش‌های سمی و گرد و خاک، صدمات، گزیدگی حشرات و بیماری‌های ناشی از حیوانات اهلی و وحشی (آرنولد و دیگران، 2020؛ مول و دیگران، 2005؛ هرست، 2007؛ میرکزاده و دیگران، 1395). پیامدهای کار در کوره‌های آجرپزی عبارت‌اند از کیفیت پایین محل زندگی و عدم دسترسی به خدمات شهری، کار در گرما، نبود تسهیلات بهداشتی و محروم بودن از آن‌ها، آسیب‌های پوستی و حرکتی و زخمی شدن (صفی خانی، 1395). کودکان در کارگاه‌ها با مواد شیمیایی و فلج شدن، آسیب‌های جسمی و روانی، تجربه خشونت، استثمار و محدود شدن به فضای کارگاه مواجه هستند (وامقی و دیگران، 1392). در زیاله‌گردی کودکان با مسائلی همچون ساعات کار طولانی، زخمی شدن به دلیل تماس با وسایل برنده در زباله‌ها، تماس با مواد بیماری‌زای موجود، انتقال ویروس هپاتیت، بیماری‌های پوستی و عفونی، آسیب‌های عضلانی، تجربه خشونت و قربانی جرم‌شدن، استثمار و غیره مواجه هستند (انجمن حمایت از حقوق کودکان، 1398). کارهای دیگر همچون کارهای خانگی، کار در بخش غیررسمی، ساختمان و معادن نیز سلامت کودکان

را در ابعاد مختلف به خطر می‌اندازد. برخی از پیامدهای همچون ترک تحصیل، ترکیب کار با تحصیل که فشار مضاعفی را به کودکان وارد می‌کند و محروم شدن از امکان بازی و کودکی از پیامدهای همه کارها هستند (زندرسوی و پورانارکی، 1390؛ فیروزآبادی و رضانیاکان 1393؛ قاسمی و دیگران 1397، لیاثو و سانگ هونگ، 2010 و غیره).

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر تحقیقی کیفی است که در سال 1399 در شهر تهران انجام شد. راهبرد مورد استفاده نظریه زمینه‌ای است. جامعه مورد مطالعه شامل سه دسته کودکان (318 نفر)، کارفرماها (17 نفر) متخصصان حوزه کودک یعنی فعالان حوزه کودک در سازمان‌های مردم‌نهاد، اساتید و کارشناسان در وزارت رفاه و سازمان بهزیستی (20 نفر) است. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از شیوه‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی بود. ابزارهای جمع‌آوری داده شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، عمیق و مشاهده بود. انجام مصاحبه‌ها و مشاهده و حتی تحلیل یافته‌ها توسط گروه پژوهش انجام شد که بر روی کار افزوده است. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری (باز، محوری و گزینشی) استفاده شده است. به‌منظور اعتمادپذیر کردن یافته‌ها، از افراد و فنون مختلف برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است، داده‌ها از میان گروه‌های مختلف جمع‌آوری شده، مقوله‌های احصا شده و یافته‌های پژوهش توسط گروه پژوهش و متخصصان حوزه کودک مرور شده است تا هم به غنای آن افزوده شود و هم از سوگیری‌های احتمالی کاسته شود.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناسی و برخی از یافته‌های دیگر

یافته‌ها نشان می‌دهد 84 درصد از کودکان پسر و 16 درصد دختر هستند، 1.02 درصد در گروه سنی 3 الی 7 سال، 44.89 درصد در گروه 8 الی 13 سال و 54.08 درصد در گروه 14 الی 17 سال هستند. 3 درصد از کودکان کار بومی، 3 درصد کولی یا غربتی، 18 درصد مهاجر داخلی و 76 درصد مهاجر خارجی هستند. 40 درصد از مهاجران خارجی به‌صورت قانونی وارد کشور شده بودند و 60 درصد به‌صورت غیرقانونی. تحصیلات پدر و مادر کودکان به ترتیب 61 و 66 درصد بی‌سواد، 19 و 17 درصد ابتدای، 12 و 9 درصد راهنمایی، هر دو 5 درصد دبیرستان و دیپلم، 3 و 1 درصد کارشناسی و 2 درصد سواد قرانی برای مادران. عوامل فقدان درآمد سرپرست در خانوار عبارت‌اند از سکونت در شهر یا کشور دیگر، ازکارافتادگی و بازنشستگی، فوت، بیماری، اعتیاد، زندانی بودن و طلاق و متارکه. 18 درصد از کودکان 4 الی 8 ساعت در روز کار می‌کنند، 55 درصد 8 الی 12 ساعت، 22 درصد 12 الی 16 ساعت و 5 درصد 16 ساعت و بیشتر. میزان درآمد روزانه برابر با 36 درصد 10 الی 50 هزار تومان، 14 درصد 51 الی 100 هزار تومان، 37 درصد 101 الی 200 هزار تومان و 13 درصد بیش از 200 هزار تومان در روز. 45 درصد از کودکان آزار جسمی، 49 درصد آزار روانی و 6 درصد آزار جنسی را تجربه کرده بودند. 16 درصد از کودکان گفته‌اند در طول کار قادر به گرفتن مرخصی نیستند یا نمی‌توانند غیبت کنند و محل اسکان 68 درصد از کودکان همراه با خانواده یا اقوامشان است، 23 درصد به‌صورت مجردی بیرون از محل کار زندگی می‌کنند و 9 درصد در محل کار اقامت دارند.

اشکال کار کودکان: جدول صفحه بعد مهم‌ترین ویژگی‌های اشکال کار کودکان و پیامدهای آن‌ها را نشان می‌دهد. در زیر به توضیحات بیشتر درباره هر یک از این کارها در شکل دسته‌بندی‌تر پرداخته می‌شود:

کار در کارگاه‌ها: این شکل از کارگاه طیف مختلفی از کارها مانند کارگاه‌های تولیدی کیف، کفش و پوشاک؛ خیاطی، مکانیکی، جوشکاری و کار در ضایعات، کار در کارگاه‌های نجاری و کارگاه‌های تولید گل را در برمی‌گیرد. هدف از این نوع کارها بیشتر یادگیری حرفه برای ایجاد شغل در آینده است؛ هرچند که کودکان نیم‌نگاهی نیز به درآمد آن دارند. یکی از دلایل خانواده‌ها برای فرستادن یا بردن کودکانشان به این کارها به‌منظور یادگیری حرفه این است که تحصیل منجر به اشتغال و درآمد برای آنان نمی‌شود. کودکان نقل کرده‌اند، «بابام گفت برو به کاری یاد بگیر، درس زیاد به‌درد نمی‌خورد» و «می‌خوام به کاری یاد بگیرم؛ بزرگ شم، همیشه همش سر چارراه باشم». برخی از کودکان نیز به یادگیری مهارت‌های فنی همچون مکانیکی علاقه دارند. مناسبات کار در این شکل از کارها اکثراً از نوع کارفرمایی و خویشاوندی است. در بسیاری از موارد تجربه خشونت‌ها کلامی و حتی فیزیکی به‌منظور یادگیری حرفه از سوی کارفرمایان در این

کار شایع است. همچنین در بیشتر کارها کودکان در طول همه‌ی روزهای هفته ازجمله جمعه کار می‌کنند که جای برای کودکی باقی نمی‌گذارد. حضور کودکان مهاجر از مناطق مختلف کشور در این کارگاه‌ها بسیار شایع است که شب را اکثراً در محیط همین کارگاه‌ها سپری می‌کنند. به باور تعدادی از کارشناسان کار کودکان در کارگاه‌ها نسبت به کار در خیابان‌ها بسیار دشوارتر است و با تبعات آسیب‌گونه بیشتری مواجه است ازجمله عدم نظارت، عدم رعایت ایمنی و بهداشت، آسیب‌دیدن و نقص عضو، عدم پاسخگویی کارفرما، دستمزد حداقلی، سوءاستفاده و استثمار، عدم حق اعتراض، نداشتن آزادی برای تعیین ساعات شروع و پایان کار، ساعات کاری طولانی، نداشتن اوقات فراغت و تفریح، مشاهده انواع رفتارهای غیراخلاقی کارفرما و سایر همراهان او همچون اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی، روابط جنسی خارج از عرف، قاچاق، تضعیف اعتمادبه‌نفس کودکان، تجربه آزارها و تعرض، عدم ارتباط با جامعه و مردم. یکی از فعالان حوزه کودک در سازمان‌های مردمنهاد گفته است: «من به‌شخصه ترجیح می‌دم بچه تو سرچهاراه خیابون کار کنه تا تو کارگاه، ببینید در کارگاه‌های بچه که اعتمادبه‌نفسی نداره در مقابل کارفرما، و اینو میدونه کارفرما، که حتی خانواده این بچه هم کارگر کارفرما است، مثلاً می‌گمی وقت بچه‌ای براش مشکلی پیش بیاد این حس رو داره که آآن می‌ره به مادرش یا پدرش می‌گه اما در کارگاه این وجود نداره». یکی دیگر از متخصصان گفته است «در خیابان بچه آزادتر هست برای پول و رفت‌وآمدش. بچه تو کارگاه خیلی توسری‌خور و مظلوم هست و اعتمادبه‌نفس پایین دارد. ولی در خیابان اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند و با مردم در ارتباطه ولی کارگاه حرفی برای گفتن نداره».

جدول شماره 1. اشکال کار کودکان مطالعه شده، ویژگی‌ها و پیامدهای آن‌ها

نوع کار	وظایف	مناسبات کار	ساعات کار	قومیت	جنسیت	پیامدها	محل
کارگاه‌های تولیدی (کیف، کفش، پوشاک و غیره)	پادوی، وسطکاری، برش، قالب‌سازی نقش، دوخت، خیاطی، دکمه‌دوزی، چکش زدن، چسب‌زدن	کار در قالب شبکه‌های خویشتاوندی و روابط کارفرمایی ¹⁰	12	ایرانی و افغانی با غلبه ایرانی	اکثراً پسر	کار در ساعات غیرمعمول، کار با مواد شیمیایی و قابل اشتعال، زخمی‌شدن دست‌ها و قطع عضو به هنگام کار با ماشین‌آلات و ابزارهای کار، تنفس مواد شیمیایی و عادت‌کردن به آن، جابه‌جایی بار سنگین، تجربه آزارها، رفتارهای پرخطر، مشاهده رفتارهای خارج از عرف کارفرما همچون روابط جنسی و مصرف مواد.	مناطق مرکزی شهر
مکانیکی	تعمیر قطعات مختلف، شستشو قطعات، تعویض روغن، تمیز کردن مغازه، آوردن قطعات از مغازه‌های دیگر و غیره.	کار در قالب شبکه‌های خویشتاوندی و روابط کارفرمایی	12	ایرانی و افغانی	پسر	قرارگرفتن در معرض مونوکسید کربن، بنزین، سروصداء، سوختگی، صدمه دین، تجربه خشونت، کار در محیط‌های سرد و گرم، ساعات کار طولانی و خستگی مفرط و نداشتن اوقات فراغت.	فرحزاد، کن، آزادی، جنوب شهر
جوشکاری و کار در ضایعات	جوش‌زدن، برش قطعات، جابه‌جایی و حمل بار، جمع‌آوری و تفکیک ضایعات.	کار در قالب شبکه‌های خویشتاوندی و روابط کارفرمایی	12	ایرانی و افغانی با غلبه ایرانی	پسر	کار طاقت‌فرسا، آسیب‌دیدن چشم و گوش، کار در محیط‌های بسیار گرم و پرسروصداء، حمل بار سنگین، زندگی و کار در مکان‌های خشن و کثیف، کار با دستگاه سوختگی، صدمه دیدن و شکستگی، مشکلات تنفسی و ریوی به دلیل وجود گازهای سمی در قوس‌های/جوش الکتریکی و مشکلات ارتوپدی در ناحیه ستون فقرات به دلیل شکل نشستن	خلاییز، اتلیک و ...
برابری	جابه‌جایی با چرخ‌دستی	روابط کارفرمایی و سازمان‌یافته ¹¹	10	ایرانی و افغانی	پسر	جابه‌جایی بار سنگین، تجربه خشونت، کار در مکان‌های شلوغ، پیاده‌روی طولانی، احساس درد در عضلات، آسیب دیدن اسکلت‌ها، درگیری کودکان باهم، تنش با شهروندان، کار در گرما و سرما.	بازار تهران
کوره‌های آجرپزی	تولید خشت/اجر و انبار کردن آن‌ها	خویشتاوندی و کارفرمایی	11	ایرانی و افغانستانی	پسر و دختر	کار در جلوی آفتاب و محیط گرم، زخمی‌شدن دست‌ها، آسیب‌دیدگی، زندگی در محیط فاقد کیفیت و خدمات و تغذیه نامناسب.	شمس‌آباد و جنوب تهران
کشاورزی	کاشت و برداشت محصولات، وچین کردن، بسته‌بندی، سمپاشی، آبیاری و بارزدن.	خویشتاوندی و کارفرمایی	11	ایرانی، افغانستانی و پاکستانی	پسر و دختر	کار در سرما و گرما و جلوی آفتاب، زخمی شدن، قرارگرفتن در معرض مواد سمی و فاضلاب، ساعات کار طولانی، کار فیزیکی طاقت‌فرسا، کم‌درد، کار در داخل گروتو خاک و گاهی اوقات همراه با گلوله‌ای، آفتاب‌سوختگی، مزاحمت حشرات، مواجهه با برخی از حیوانات خطرناک، جابه‌جایی بار سنگین، درد، عدم دسترسی به خدمات و امکانات بهداشتی	مناطق جنوبی و غرب تهران
کارگاه‌های تولید گل	جابه‌جایی بار، حمل بار با چرخ از جمله بار مشتریان، مراقبت از گل‌ها، تمیز نگه‌داشتن محوطه کار و مغازه‌ها.	کار در قالب شبکه‌های خویشتاوندی، روابط کارفرمایی و سازمان‌یافته	10	افغانستانی	پسر	کار در ساعات غیرمعمول، کم‌خوابی، کار در محیط شلوغ، زندگی در محل‌های اشتراکی پرسروصداء و عدم امکان استراحت مناسب.	محلانی و خاوران
زباله‌گردی	جدا کردن زباله‌ها از داخل سطل‌های زباله و تفکیک آن‌ها به هنگام کار یا در سایت‌های زباله.	کار در قالب شبکه‌های خویشتاوندی، روابط کارفرمایی و سازمان‌یافته	14	اکثراً افغانستانی	پسر	بریدشدن دست با زباله‌های تیز و برنده، قرارگرفتن در معرض مواد خطرناک از جمله ضایعات بیمارستان‌ها، حشرات، بیمارهای از جمله هپاتیت، ایزن، اختلالات اسکلتی، مرگ، سوءتغذیه، تجربه خشونت‌ها، قربانی جرم شدن، تنفس بوی بد زباله‌ها و سطل‌های زباله، محل اسکان و خواب نامن و غیربهداشتی، عدم دسترسی به خدمات شهری و تغذیه نامناسب.	تمام مناطق شهر از جمله سایت‌های بازیافت و گودهای تفکیک زباله
کار در خیابان	فروش محصولات، عرضه خدمات و تندی‌گری	خویش‌فرمایی (فاقد مناسبات کاری)	8	ایرانی، افغانستانی و پاکستانی	پسر و دختر	پیاده‌روی‌های طولانی و سرپا ایستادن و لذا خستگی مفرط، تجربه خشونت‌ها، درگیری باهم، تصادف و زخمی‌شدن، سوءتغذیه و تغذیه نامناسب، یادگیری رفتارهای پرخطر و مشاهده مسائل غیراخلاقی، توقیف اجناس و جمع‌آوری شدن، کار در گرما و سرما، تنفس هوای آلوده، قربانی جرم‌شدن، احساس شرمندگی و حقارت.	بیشتر در مناطق شمالی شهر تهران
کار در میادین میوه و تره‌بار	تخلیه بار، تمیز کردن میوه‌جات و سبزی‌ها، مرتب کردن آن‌ها، فروش محصولات به مشتریان و تمیز کردن محل کار.	کار در قالب شبکه‌های خویشتاوندی، روابط کارفرمایی و سازمان‌یافته	13	ایرانی با غلبه گردها	پسر	کم‌خوابی، زندگی در خوابگاه‌های جمعی و عدم امکان خواب و استراحت مناسب، قرارگرفتن در معرض رفتارهای آسیب‌رزا، بی‌حرمتی، زندگی به‌وزن خانواده، کار در ساعت غیرمعمول، جابه‌جایی بار سنگین، استنشاق گروتو خاک، بریدشدن دست‌ها به هنگام کار با ابزارها، احساس خستگی مفرط، یادگیری برخی از رفتارهای پرخطر مانند مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی یا روابط جنسی پرخطر در محیط کار از دیگران و تجربه خشونت.	تمام مناطق شهر
	نظافت منزل، مراقبت از	شبکه‌های		ایرانی و		انجام کار زیاد، تهییج، افسردگی، اضطراب، روزهای کار طولانی و خسته‌کننده،	

10. منظور از کار در قالب شبکه‌های خویشتاوندی بدین معنی است که کودکان به‌واسطه شبکه خویشتاوندی‌شان وارد چرخه کار می‌شوند و مناسبات همین شبکه است که روابط کار ازجمله میزان دستمزد و نحوه پرداخت آن را تعیین می‌کند، کار در قالب مناسبات کارفرمایی به‌نوعی است که رابطه بین کودک و کارفرما به‌صورت رسمی یا غیررسمی توسط خود آن‌ها و در برخی از موارد با مشارکت والدین کودکان تعیین می‌شود.

11. در مناسبات سازمان‌یافته فراتر از رابطه کودک و کارفرما، یک سازمان نظارت‌کننده وجود دارد که بخشی از روابط کار را تنظیم می‌کند. برای مثال در تره‌بارها این سازمان میادین میوه و تره‌بار است که طرز پوشش، ساعات کار، ایام تعطیل و غیره را در کار مشخص می‌کند. روی‌هم‌رفته در کارهای که بررسی شدند همیشه ترکیبی از این مناسبات وجود داشت. برای مثال در همین میادین میوه و تره‌بار کودک ممکن است به‌واسطه شبکه‌های خویشتاوندی‌اش یا خودش وارد چرخه کار شود اما به‌صورت هم‌زمان کار را مناسبات خویشتاوندی، کارفرمایی و سازمان نظارت‌کننده تعیین می‌کنند. در برخی از کارها هم همچون شاگردی مغازه تنها ممکن است یکی از مناسبات وجود داشته باشد، در این نمونه مناسبات کارفرمایی.

کار خانگی	سالمندان و کودکان و نوزادان، خرید، آشپزی، بسته‌بندی، تمیز کردن سبزی و غیره.	خویشاوندی و روابط کارفرمایی	-	افغانی با غلبه ایرانی	اکثراً دختر	حمل بارهای سنگین، دست زدن به وسایل خطرناک مانند چاقو، قابلمه داغ، تیر و داس، محل زندگی و غذای ناکافی و ناسالم، رفتارهای خوار و بی‌حرمت کننده از جمله آزارهای جسمی، کلامی و جنسی.	تمام مناطق شهر
شاگرد سوپری و سایر مغازه‌ها	چیدن قفسه‌ها، حمل و جابه‌جایی بار، رسیدگی به مشتری‌ها و کار در قالب پیک.	شیکه‌های خویشاوندی و روابط کارفرمایی	13	ایرانی و افغانستانی	پسر	ساعات طولانی کار و طاقت‌فرسا بودن آن، نداشتن خواب و استراحت کافی، صدمه دیدن، جابه‌جایی بار زیاد و سنگین و در برخی از موارد کار به‌دوراز خانواده و خوابیدن در داخل مغازه.	تمام مناطق شهر
کار در کاروانش	شستن ماشین‌ها، تمیز کردن محوطه کارگاه و جابه‌جایی بار	مناسبات کارفرمایی	13	ایرانی و افغانستانی	پسر	کار در سرما و گرما، کار با مواد شوینده و مشکلات تنفسی و پوستی، تجربه خشونت، عدم دریافت دستمزد، عدم محل اسکان و خواب مناسب	تمام مناطق شهر
کار در کارگاه‌های نجاری	جابه‌جایی بار از جمله الوار، برش الوار، میخ و چسب زدن، انبار کردن، بارزدن کالا	مناسبات کارفرمایی	12	افغانی و ایرانی	پسر	آسیب‌دیدگی، جابه‌جایی بار سنگین، تنفس براده‌ها، نقص عضو، مشکلات تنفسی و تغذیه نامناسب.	همچون مرتضی گرد، شوش و فرحزاد
کار در کارگاه‌های بلورسازی	بسته‌بندی بلورها و جابه‌جایی و انبار کردن آن‌ها	شیکه‌های خویشاوندی و روابط کارفرمایی	10	بیشتر افغانی	پسر و دختر	کار در محیط گرم، گرما زدگی، مشکلات تنفسی، امکان سوختگی	جنوب شهر همچون خیرآباد و اسلامشهر، سمره ورامین

کشاورزی: کار کودکان در این بخش اکثراً به‌صورت فصلی است و بسته به فصل کار دارد که بیشتر کارها در فصل تابستان و سپس پاییز و بهار است. هدف کودکان از ورود به این کار کسب درآمد است. کودکان یا در قالب دسته‌های دوستی و یا خویشاوندی در کار حضور پیدا می‌کنند که همین‌ها از منابع حمایتی آنان است. در فصل کار اکثراً محل اسکان آنان در داخل آلونک‌های دست‌ساز در داخل مزارع است که فاقد بسیار از امکانات ابتدایی و دسترسی به خدمات است که آنان را در معرض آسیب‌های جسمی قرار می‌دهد. کار در تمام ایام هفته، ساعات کار طولانی در طی روز، کار سنگین و طاقت‌فرسا به همراه کار در گرما از مهم‌ترین مسائل این کار است. یکی از کودکان نقل کرده است: «دیگه سختیش اینه همش باید جلوی آفتاب کار کنی، هوا گرمه، پشم اذیت می‌کنه». در فصل‌های دیگر که از میزان کار و احتیاج به نیروی کار کاسته می‌شود کودکان ممکن است وارد کارهای دیگر همچون زباله‌گردی شوند. همچنین باید گفت از آنجاکه مزارع کشاورزی معمولاً لا در مناطقی دور از شهر قرار دارند، این گروه از کودکان از جریان اصلی جامعه، تحصیل، خدمات سازمان‌های مردم‌نهاد و بسیاری امکانات رفاهی و شهری به دور هستند.¹²

کار در خیابان: کودک در خیابان طیف مختلفی از کارها همچون گل‌فروشی، تکدی‌گری، دست‌فروشی، اسفند دودکردن، وزن‌کشی، نوازندگی، تمیزکردن شیشه خودرو، سبزی‌فروشی، فال‌فروشی، نوازندگی، باربری و غیره را انجام می‌دهند. کودکان از سنین بسیار پایین –در برخی از موارد از 4 سالگی- وارد این شکل از کارها می‌شوند. آنان برای بار اول از طریق یکی از اعضای خانواده‌شان یا دوستانشان وارد کار می‌شوند. به سبب آنکه کودکان بهتر می‌توانند حس ترحم دیگران را برانگیزند و درآمد بیشتری کسب کنند، والدین انگیزه بیشتری دارند تا از کودکانشان برای چنین کاری استفاده کنند. هدف از انجام این کارها کسب درآمد است. در برخی از موارد، والدین کودک ممکن است در خیابان، با فاصله اندک مراقب فرزندانشان باشند. حضور کودکان افغانی و کولی‌ها در کارهای خیابانی بسیار شایع است. آن‌ها برخی از فضاهای شهری را همچون چهارراه خاصی را به‌عنوان قلمرو خودشان مشخص کرده‌اند و از ورود دیگران به آن‌ها جلوگیری می‌کنند از این‌رو نزاع میان کودکان برای حفظ قلمرو بسیار شایع است. در برخی از مواقع ورود به قلمرو مستلزم پرداخت هزینه است. یکی از کودکان روایت کرده است: «... اینا میگن ما ده‌ساله اینجا کار کردیم، این چارراه از ما شده، من می‌گم کو سندش پس، بعد به خاطر همین، یه روز دیگه هم دعوا شد». تجربه زیسته در خیابان به کودکان دانش گونه‌شناسایی مشتریان، نحوه جلب ترحم آنان و دفاع از خود در مقابل خطرات کار را آموخته است. این دسته از کودکان هستند که مشمول طرح‌های ساماندهی می‌شوند بسیاری از آن‌ها تجربه دستگیری و جمع‌آوری را دارند. در این کارها همان‌طور که کودکان در سن پایین وارد چرخه کار می‌شوند با افزایش سن باید از کار خارج شوند چراکه دیگر نمی‌توانند ترحم و نظر شهروندان را برای کسب درآمد جلب کنند.

کار در میادین میوه و تره‌بار: کودکانی که در این شکل از کار، کار می‌کنند اکثراً مهاجران ایران‌اند و به‌دوراز خانواده‌ها یا همراه با یکی از آن‌ها در این میادین کار می‌کنند. در این میادین کار کاملاً سازمان‌یافته است و تحت نظارت سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران انجام می‌شود. آنان روزانه 9 ساعت به‌صورت رسمی موظف به کار هستند و حدود چهار ساعت را نیز به‌صورت غیررسمی کار می‌کنند، مثلاً شب‌ها به فواصل مختلف بارها را خالی می‌کنند، یکی از کودکان نقل کرده «تره‌بار ساعت کار نداره»، یعنی ساعات بسیاری را باید کار کنند. دستمزد کودکان به‌صورت هفتگی تعیین می‌شود که اکثراً هفته‌ای هشت‌صد هزار تومان دریافت می‌کنند، البته زمانی که بخواهند به منزل برگردند یا به پول نیاز داشته باشند آن را از کارفرما طلب می‌کنند. در ایام مرخصی و تعطیل به آن‌ها دستمزدی پرداخت نمی‌شود.

12. این موضوع برای کودکانی که در کوره‌های آجرپزی و در کار زباله‌گردی و برخی از کارها دیگر، که کار می‌کنند به میزان کپوبیش وجود دارد.

فعالیت‌های آنان تحت نظارت ناظرین میادین است و در صورتی که تخلفی مرتکب شوند، مانند اینکه با مشتری رفتار مناسبی نداشته باشند، لباس فرم نپوشند، میوه‌ها و سایر اقلام بی‌کیفیت در داخل پالت‌های میوه باشد، ناظران با آنان برخورد می‌کنند که در بسیاری از موارد همراه با تحقیر است. تقریباً همه کودکان به این کار به چشم کار موقت می‌نگرد البته برخی از آنان ممکن است در همین صنف باقی بمانند و در آینده غرفه اجاره کنند و میوه‌فروش شوند.

زباله‌گردی: کودکانی که زباله‌گردی می‌کنند اکثراً مهاجران افغانستانی هستند، البته تعدادی از کودکان ایرانی از اقوام مختلف نیز در این حیطه فعالیت دارند. شهرداری تهران جمع‌آوری و تفکیک زباله‌های خشک مناطق را به پیمانکاران واگذار کرده است. پیمانکار نیز ممکن است جمع‌آوری زباله‌ها را خودش مدیریت کند یا در سازوکاری دیگر آن را به افراد دیگر واگذار کند، مانند واگذاری به افغانستانی‌هایی که به آنان «ارباب»، «سرگود» یا «سرگاراژ» می‌گویند. برای دستیابی به سود بیشتر، کارفرمایان جمع‌آوری زباله‌ها را به دو نوبت صبح و شب تقسیم کرده‌اند؛ در نوبت صبح اکثراً افرادی زباله‌ها را جمع می‌کنند که در بخش پسماند مناطق 22 گانه شهر کار می‌کنند و تحت نظارت شهرداری منطقه قرار دارند؛ بنابراین در این نوبت کمتر از کودکان کار استفاده می‌شود. در نوبت بعدازظهر بیشتر کودکان‌اند که مشغول جمع‌آوری زباله هستند، آنان از حدود ساعت چهار بعدازظهر شروع به کار می‌کنند و تا نزدیک ساعت دوازده شب و حتی بیشتر به کار ادامه می‌دهند، برخی از آن‌ها به‌صورت ماهیانه مبلغی را به کارفرما تحت عنوان «رسوم» پرداخت می‌کنند تا اجازه کارکردن در منطقه را داشته باشند و برخی دیگر مجبورند زباله‌ها را به نرخی مشخص به کارفرما بفروشند که معمولاً این قیمت بسیار ناچیز است. برای افرادی که در این بخش فعالیت می‌کنند معمولاً کارت فعالیت صادر می‌شود و عکس آن‌ها در تلفن‌های همراه «گشتی‌های» کارفرما ذخیره می‌شود تا بر آن‌ها نظارت شود و شخصی به‌صورت غیرمجاز وارد این عرصه برای کار نشود. یکی از کودکان زباله‌گرد درباره نحوه ورود به مناطق چنین بیان کرده است: «ما اینجا رسوم میدیم؛ ماهی 3 میلیون میدیم بذارن کار کنیم. اگه رسوم ندیم، اونا میان می‌گردن، ببین هرکی پول نداده، میگیرینش میزنش»، به همین دلیل کودکان در این شکل از کار خشونت زیادی را تجربه می‌کنند. ابزار کار کودکان در این شکل از کار معمولاً کتفی (نوع خاصی از گونی برای جابه‌جایی زباله) و چرخ‌دستی است. محل اسکان این افراد معمولاً در داخل سایت‌های تفکیک زباله در مناطق جنوب و جنوب غربی و شرقی شهر تهران است. آن‌ها برای جمع‌آوری زباله با کامیون‌هایی که اجاره کرده‌اند از این مناطق به داخل شهر تهران می‌آیند و بعد از اتمام ساعت کار، همان کامیون‌ها آن‌ها را با زباله‌ها به محل اسکانشان بازمی‌گردانند.

شاگرد سوپری و سایر مغازه‌ها: کودکان افغانستانی و ترک‌زبان بیشتر در این کارها حضور دارند. در سوپرمارکت‌ها ساعات کاری از صبح تا حدود یازده شب ادامه دارد. گاه محل اسکان بعضی از این کودکان داخل همان مغازه‌هاست و بنابراین همیشه برای کارفرمایانشان در دسترس هستند تا آن‌ها را به‌کارگیرند. کودکان در طیف دیگر از مغازه‌ها همچون لوازم‌پدکی فروشی‌ها، اغذیه‌فروشی‌ها و رستوران‌ها، قصابی‌ها و مرغ فروشی‌ها، لباس‌فروشی‌ها، کارواش‌ها و قنادی‌ها کار می‌کنند. کار آن‌ها اشکال مختلفی همچون پاره‌وقت، نیمه‌وقت و تمام‌وقت را در برمی‌گیرد و بسته به آن دستمزد دریافت می‌کنند. کودکان در این کارها همه‌ی روزه‌های هفته و تعطیلات را کار می‌کنند. در برخی از مواقع کودکان در این کار همچون کار در کارواش هیچ دستمزدی دریافت نمی‌کنند و کارفرما تنها به آن‌ها جای خواب می‌دهد و درآمد آنان از انعام مشتری است. کودکی نقل کرده است «اینجا کارگر انعامی‌ام، اینجا حقوق نداریم».

کوره‌های آجرپزی: این کوره‌ها بیشتر در جنوب و جنوب غرب تهران قرار دارند. کار در این کوره‌ها اکثر ا به شکل خانوادگی است و کودکان در کنار خانواده‌هایشان کار می‌کنند. همین امر باعث شده است کودکان بر درآمدشان کنترلی نداشته باشند و کارفرما دستمزد آن‌ها را مستقیماً به سرپرست خانوار یا پدرشان پرداخت کند. کودکی در پاسخ پرسش از دستمزدش گفته است: «پولم رو نمیدونم، دست بابامه. بابام میگیره، برای خونه خرج می‌کنه». ساعات کار در این کوره‌ها نیز بسیار طولانی است. کودکان در بسیاری از مواقع مجبورند صبح زود از خواب بیدار شوند و به کار در این کوره‌ها تا اوایل شب بپردازند. کار در فصل تابستان در این کوره‌ها بیشتر رونق دارد و در فصل‌های دیگر به محل اقامت خود در شهرستان بازمی‌گردند. البته محل اقامت تعدادی از خانوارها در داخل همین کوره‌ها است. این کوره‌ها اکثر ا در بیرون از شهر هستند و کسانی که در این کوره‌ها کار می‌کنند ارتباط بسیار اندکی با جامعه شهری دارند. از این رو فاصله مکانی آن‌ها با شهر به طرد اجتماعی این افراد منجر شده است. به دلیل عدم دسترسی به مدارس و نبود سازمان‌های مردم‌نهاد در این مناطق، بیشتر کودکان این مناطق از تحصیل بازمی‌مانند و یا در برخی از مواقع به روستاها یا شهرهای اطراف برای تحصیل مراجعه می‌کنند که به سبب هزینه‌ها و سختی‌هایی که دارد، تعداد این کودکان اندک است.

کارگاه‌های بلورسازی: بیشتر کودکانی که در این بخش فعالیت می‌کنند مهاجران اتباع هستند که به همراه خانواده‌هایشان زندگی می‌کنند. کار دختران نیز در این صنف رایج است. براساس قوانین کار، کار کودکان زیر 15 سال در این کارگاه‌ها

ممنوع است اما بسیاری از این کارگاه‌ها از طریق دوربین‌های مداربسته کنترل می‌شوند و زمانی که ناظران کار از این کارگاه‌ها بازدید می‌کنند، عوامل کارفرما از درهای پشتی کودکان را خارج می‌کنند. کودکان و بسیاری از زنان شاغل در این بخش بیمه ندارند و در برخی از مواقع کارفرماها از پرداخت دستمزد کودکان خودداری می‌کنند و کار را رها می‌کنند. کودکی راجع به کاری که در این کارگاه انجام می‌دهد گفته است: «جنس روی میله‌هاست، من میرم توی کوره می‌ذارم، می‌آرم، حواسم هست، سریع برمیدارم که دستم نسوزه، ولی یه بار سوخت».

کارخانگی: کودکان خانگی یا کارگران خانگی کودکانی هستند که در خانوارهای افراد دیگر کار می‌کنند. برخی از کودکان نیز ممکن است در منزل خود به کار بپردازند. کارهایی که این کودکان انجام می‌دهند عبارت‌اند از: کارهای روزمره خانه، تهیه غذا، نظافت و شست‌وشو، مراقبت از کودکان کارفرما و همراهی کردن آنان بهنگام رفتن به مدرسه، مراقبت از بزرگسالان و افراد از کار افتاده، باغبانی و کمک به کارفرمایان در اداره کسب‌وکارهای کوچک. کارهای که کودکان در منزل خود انجام می‌دهند عبارت‌اند از پاک کردن سبزی و دسته‌بندی آن، قالی‌بافی، بسته‌بندی برخی از کالاها همچون جوراب، تزئین زیورآلات روی اجناس دیگر مانند پارچه و غیره. تعدادی از کودکان ممکن است به همراه والدین خود به منازل دیگر بروند و کارهای همچون نظافت منزل را انجام دهند، کودکی در این باره گفته است «با مامانم میرم تمیزکاری؛ مامانم زمین رو تمیز می‌کنه، من میرم ظرفا رو می‌شورم». از آنجای که این شکل از کارهای تحت کنترل خانواده‌ها است کودکان به‌ویژه دختران کنترل چندانی بر درآمدشان ندارند.

مدل زمینه‌ای کار کودکان: در جدول زیر ابتدا فرایند کدگذاری ترسیم و جایگاه مقوله‌ها در مدل ترسیم شده است و سپس در مدل در فرایندی منطقی زمینه و پیامدهای کار کودکان را به تصویر کشیده است. در سطح ساختاری علل کار کودکان عبارت‌اند از شکاف توسعه، تنش و منازعات در کشور افغانستان، فقر خانوارها، فرهنگ برخی از اجتماعات و باورها آنان درباره کودک، مهاجرت و تأمین هزینه‌های مهاجرت. شکاف توسعه به توسعه نابرابری اشاره دارد که در پهنه این سرزمین نقش گسترانیده است. سیاست‌های توسعه از اوایل این سده چند استان مرکزی مانند تهران را هدف قرار داده است و بیشتر صنایع و فعالیت‌های خدماتی در این بخش از کشور استقرار یافته‌اند و سایر مناطق به‌ویژه مناطق پیرامونی‌تر کشور از توسعه از هر نوع آن محروم مانده‌اند. در نتیجه این فرایند بخشی زیادی از افراد به‌ویژه کودکان از مناطق پیرامونی‌تر به تهران برای پیدا کردن کار مهاجرت می‌کنند. کشور افغانستان به‌عنوان همسایه شرقی ایران در چند دهه اخیر درگیر بی‌ثباتی‌ها و منازعات شده است که باعث ناامنی گسترده‌ای در این جامعه شده است. ناامنی در کنار فقر شدید جامعه افغانستان به‌ویژه در مناطق روستایی به مهاجرت از این کشور به ایران دامن زده است. همچنین تشدید تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا با افزایش تورم و تعطیلی برخی از کسب‌وکارها به فقر برخی دیگر از خانواده‌ها و کار کودکان دامن زده است.

در ایران و افغانستان فرهنگ برخی از اجتماعات به‌گونه‌ای است که بر این بارواند فرزندشان از سنی به بعد دیگر کودک نیست و می‌تواند کار کنند. به باور آن‌ها برخی از کارها همچون آن‌های که کودکان در آن مهارتی را یاد می‌گیرند آنان را برای به عهده گرفتن مشاغل در آینده آماده می‌کند. مددکار یکی از سازمان‌های مردمنهاد در منطقه غنی‌آباد در همین رابطه معتقد بود: «ببینید یه سری اصلاً تو افغانستان انگار مثلاً بچه به یک سنی می‌رسه میگه احساس گناه می‌کنه نمیره سرکار، چون تو فرهنگشونه، من بارها کیس‌رو دیدم میاد اینجا مثلاً میگه خانوم برای من کار پیدا کنید، من میگم خوب تو هنوز باید درس بخونی، تو که نباید بیای کار کنی میگه نه خانوم من به این سن رسیدم دیگه باید کار کنم. [...] اینا تو همون سن بچگی مثلاً دوزاده سیزده‌سالگی اگر کار نکنن غیرعادی».

مهاجرت و هزینه‌های آن نیز یکی دیگر از دلایل کار کودکان است. کودکان افغانستانی چه به‌صورت تنها و چه زمانی که به همراه خانواده‌شان به ایران مهاجرت می‌کنند چه به‌صورت قانونی و چه به‌صورت غیرقانونی- هزینه‌های مهاجرت آنان زیاد است. هزینه‌های مانند هزینه پاسپورت و اقامت در قالب مهاجرت قانونی و هزینه‌های مسیر و قاچاقچی‌ها در مهاجرت‌های غیرقانونی. گاهی اوقات ایران برای خانواده‌های افغانستانی یک مسیر میانه است که به اروپا مهاجرت کنند. آنان مدتی را در ایران اسکان می‌گزینند و کار می‌کنند تا بتواند هزینه‌های مهاجرت به اروپا را تأمین کنند. مددکار اجتماعی فعال در حوزه کودکان گفته است: «خانواده‌ی اتباعی داریم که اینجا شما بازدید از منزل می‌رین کاملاً صفره، ولی شما ببینید این ذهن چی می‌گه، وقتی یه خانواده‌ی پنج تا پسر داره برایش ماهی یک و هفتصد کار می‌کنن، مثلاً اون خانواده نباید وضعیتش این باشه، یهویی متوجه میشیم که فلانی عید مهاجرت کرد، رفت ترکیه، خب، اینام هزینه‌ی قاچاقچی و اینا چیز کمی نیست، مثلاً خانواده دارم میان سی میلیون فقط پول داده که از افغانستان به بدترین نحو اومده ایران، حالا شما فکر کنید همین هزینه قراره برای ترکیه خرج بشه».

جدول شماره 2- فرایند کدگذاری و جایگاه مقوله‌ها

ردیف	کدهای باز	مقوله	جایگاه مقوله
1	نبود کار و فقر در شهرستان، مهاجرت به دلیل فقر، بیکاری عامل مهاجرت بین‌شهری، مهاجرت غربی‌ها برای کار، مهاجرت برای حرفه‌آموزی، مهاجرت همراه با خانواده، مهاجرت به دلیل نبود کار در کشور مبدأ، وجود فرصت‌های کار در تهران و درآمد بیشتر در تهران.	شکاف توسعه	علی
2	مهاجرت به دلیل جنگ و ناامنی، شرایط اقتصادی نامناسب افغانستان، تخریب مدارس توسط طالبان و تأمین هزینه‌های مهاجرت.	تنش و منازعات در کشور افغانستان	
3	گسترش بازار کار غیررسمی به دلیل فرار از نظارت، به‌کارگیری نیروی کار ارزان در بازار کار غیررسمی، ایجاد کارگاه در بافت مسکونی به‌منظور عدم نظارت و پرداخت اجاره کمتر، عدم نظارت بر کارگاه‌ها در مناطق مرکزی شهر، حضور کودکان و مهاجران در بخش غیررسمی.	بازار کار غیررسمی	
4	تورم و فقر شدن خانواده، کافی نبودن درآمد خانواده، پرجمعیت بودن خانواده مهاجرین، تأثیر کرونا بر کسادی مشاغل، تأمین هزینه‌های خانواده، شروع به کار از زمان اعتیاد پدر، اولویت تأمین نیازهای خانواده، عدم حضور دانه پدر در خانواده به دلیل اعتیاد، ترجیح کار به درس، نقص عضو و از کارافتادگی سرپرست خانوار، از کارافتادگی والدین، کار برای پرداخت بدهی خانواده، نبود درآمد ثابت و پایدار در خانواده، فوت پدر، سابقه جرم و زندانی شدن پدر، بیماری سرپرست خانواده، کار به‌مشتبه دوری از خشونت خانواده برای کودک، از دست دادن سرمایه خانوادگی به دلیل قمار پدر، بیکاری پدر و انتظار از کار کودک.	فقر و جلوه‌های آن	
5	باور به کار کودک جهت آماده کردن او برای زندگی، تعریف محدود از کودکی، ازدواج در سن کودکی و داشتن فرزند، کار برای تأمین هزینه‌های ازدواج، فرهنگ بازنشتستگی زودهنگام پدر دلیل کار کودک و طولانی ماندن حضور دختران کوئی در خیابان.	فرهنگ اجتماعات	
6	علاقه کودک به کار گل‌فروشی، استقلال کودک برای فکر کردن و کار کردن، تأثیر کار و درآمد بر علاقه کودک، تمایل کودک برای نشان دادن استقلال مالی خانواده، انگیزه برای مهارت‌آموزی و پیشرفت در کار، هویت‌یابی از طریق داشتن کار و درآمد، داشتن درآمد و یادگیری مهارت، علاقه به کار در کارگاه و کمک به پدر.	علاقه و انگیزه به کار	زمینه‌ای
7	نزدیک بودن به محل کار دلیل انتخاب آن و استقرار برخی کارهای در برخی از مناطق شهر.	محل سکونت	
8	عدم امکان انتخاب برخی از مشاغل به دلیل محدودیت سن، ترجیح کارفرما برای استخدام کودکان کم سن و سال به دلیل مطیع بودن، خروج دختران افغان از خیابان بعد از بلوغ و شروع کار در خیابان از سن پایین.	سن	
9	حضور بیشتر برخی از اقوام در برخی از کارها و تقسیم خطوط مترو و فضاهای شهری براساس قومیت.	قومیت	
10	نگرش‌های جنسیتی، خروج دختران افغانی از کارهای خیابانی بعد بلوغ، تقسیم‌کار مبتنی بر جنسیت، پسرانه شدن برخی از کارها به دلیل خروج دختران در سنین بالاتر از کار، حضور دختران در کارهای خانگی، عدم حضور دختران در برخی از اشکال کار.	جنسیت	مداخله‌گر
11	دستگیری از سوی پلیس، تغییر کار به دلیل طرح‌های جمع‌آوری، دستگیری و انتقال کودک به افغانستان، چشمپوشی از کار کودک از سوی نهادهای مسئول، جمع‌آوری توسط بهزیستی، تغییر شغل به دلیل محدود شدن باریبری، ممانعت از به‌کارگیری کودکان در کارهای کشاورزی، فراری دادن کودکان از کارگاه به هنگام حضور بازرسان کار، رسمیت بخشیدن به کار کودک با دادن یونیفرم کار، نبود نظارت بازرسان سازمان کار، مصونیت قانونی برای استفاده از کودک کار در کارگاه‌های زیر 5 نفر و قانونی بودن کار کودکان بالاتر از 15 سال.	تحوه اجرای قوانین و نظارت بر آن	
12	پیشنهاد کار توسط هم‌وطن، مهاجرت به همراه اقوام و آشنایان، تشویق کودک برای مهاجرت به ایران، مهاجرت نوبتی اعضای خانواده برای کسب درآمد، رفت آمد به شهر محل سکونت و تمایل به مهاجرت به کشورهای اروپایی.	شبکه‌های مهاجرین	
13	قدرت کارفرما در تعیین ساعات کاری و میزان دستمزد، نداشتن قدرت نه گفتن، پرداخت هزینه به شهرداری برای تأمین چرخ و لباس، اخراج از کار به دلیل صدمه زدن به خود، لزوم رعایت قوانین و مناسبات کار در اشکال کار سازمان‌یافته، جریمه شدن از سوی پیمان‌کار به دلیل خارج شدن از منطقه کار، وضع قراردادهای دلبخواهی توسط کارفرما، پرداختن کمسیون در باریبری، نداشتن قرارداد، قراردادهای کوتاهمدت و سکوت خانواده در برابر کارفرما به دلیل قدرت او.	روابط قدرت	
14	کار برای پر کردن اوقات فراغت در تابستان، اهمیت پاکیزگی محیط کار برای کودک، نگرش به دختران، باور به کار کردن دختران در خانه، حساسیت نسبت به کار دختران بعد از بلوغ، خانوادگی بودن برخی از کارها و ورود کودکان به آن، ورود به کار جدید به دلیل وابستگی به خانواده، کار با پدر به دلیل شرایط مناسب، ترجیح کارفرما برای استفاده از کودکان و کارایی برخی از سن‌ها برای کودکان.	ارزش‌ها و نگرش‌ها	
15	محدودیت کاری اتباع در آیین‌نامه مشاغل اتباع، ایجاد محدودیت سکان برای اتباع در برخی از استان کشور، تبعیض براساس ملیت کودک، عدم امکان ایجاد حساب بانکی برای کودکان اتباع، نداشتن اسناد هویتی در میان غربی‌ها، محدودیت قائل شدن برای دختران، تبعیض نیروی انتظامی نسبت به اتباع، محدودیت کار برای دختران افغانی در خیابان تا سن معین، اولویت به استخدام کارگران بومی نسبت به اتباع، نوع بیشتر مشاغل برای پسران، محرومیت مهاجران از حمایت‌های قانونی کار و نژادی پرستی کودکان ایرانی نسبت به کودکان اتباع در کار و مدرسه.	تبعیض‌های قومیتی و جنسیتی	تعاملات/ راهبردها
16	حمایت سمن‌ها از کودک، اعتماد کودک به خانواده، ارتباط خوب کارفرما با کودک، وجود فضایی زنانه در محیط کار برای دختر، ارتباط تلقنی مستمر با خانواده، حمایت تحصیلی سمن‌ها از کودکان کار، حمایت سمن‌ها از کودکان بیمار آنان، احساس امنیت به دلیل داشتن روابط اجتماعی، احساس امنیت از حضور اعضای فامیل در کار، نظارت والدین در خیابان بر کودکان، حضور والدین در کارگاه، حمایت کارفرما از تحصیل کودک، آموزش حقوق کودک به کودکان، ارائه خدمات بهداشتی برای کودکان، ارائه خدمات توانمندسازی، ایجاد فضای بازی برای کودکان در سمن، حمایت از خانواده‌های کودکان کار، پرداخت هزینه‌های تحصیل، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای کودکان، خانواده‌های آنان و کارفرما، تلاش سمن برای تحصیل کودکان اتباع در مدارس، برقراری ارتباط با کارفرما برای ادامه تحصیل و کاهش مخاطرات کار و نظارت کارگران بزرگسالت‌ر بر کودک.	حمایت، مراقبت و مراقبت از کودک	
17	پنیرش تقدیر الهی برای پنیرش شرایط دشوار زندگی و کار، درآمدگی کودک در مقابل آزار دیگران، توانایی در بیان احساسات به دلیل تنهایی، عدم توانایی پیگیری قانونی به دلیل مهاجر بودن، بی‌دفاع بودن در برابر آزار دیگران، بیان نکردن تجربه آزار برای حفظ شغل، توجه به رفتارهای کارفرما توسط والدین، هراس کودک اتباع از ارتباط با جامعه جدید، ترک کار به دلیل سنگینی وظایف محوله، توان کنترل خشم، اضافه‌کاری برای افزایش درآمد، ترک کار به دلیل خستگی مکرر، ماهیگیری با سرویس رفت‌وآمد برای ارتقاء امنیت، پاتوق بندی محل کار، آسیب زدن به خودرو طرح ساماندهی، فرار از دست مأموران شهرداری، تمایل به دریافت دستمزد به‌صورت هفتگی به دلیل عدم امنیت، کمک گرفتن از پلیس و حمایت از دوستان در درگیری‌ها.	کنش‌های فعالانه و منفعلانه	
18	رایگان نبودن آموزش برای کودکان اتباع، عدم تطابق نظام آموزشی ایران با افغانستان و تأخیر در تحصیل به سبب کار، بازماندگی از تحصیل به دلیل مهاجرت، ترک تحصیل، ترک مدرسه به دلیل فقر، عدم اجازه پدر برای تحصیل دختر، محدودیت‌های مدارس برای تحصیل اتباع، انتظار یکسان مدارس از کودکان عادی و کار، ترکیب کار با تحصیل و تجربه فشار مضاعف.	محرمانه از تحصیل	
19	نداشتن اوقات فراغت، نبود مرخصی به دلیل روزمزد بودن، درآمد بیشتر در روزهای تعطیل، نبود روز تعطیل در کارواش از جمله در جمعه، اوقات فراغت محدود به استراحت و خواب، سبب فشار اقتصادی دلیل عدم مرخصی، بیرون ماندن تا ساعات پایانی شب به بهانه کار، نداشتن اوقات فراغت به دلیل دو شغله بودن، نبود تسهیلات و امکانات اوقات فراغت، تأمین هزینه‌ها غذا به‌صورت استقرار، تغذیه نامناسب در حین کار، حذف وعده غذایی به هنگام کار، تغذیه نامناسب کودکان در کارهای خیابانی، تأمین غذا برای کودکان خیابانی، محدود بودن اقلام و تنوع غذایی و انجام کار سنگین و طولانی به همراه غذای نامناسب.	فراغت و تغذیه	
20	زخمی شدن، مریض شدن، نقص عضو، از دست دادن بینایی در کارواش، آسیب دیدن به دلیل نداشتن ابزار کار، کوتاهی کارفرما در میه‌کردن امکانات بهداشتی، کم‌خوابی و تجربه فشار، هزینه‌های بالایی درمان و عدم مراجعه، شرایط نامساعد بهداشتی و تهیه کارگاه، محل اسکان غیربهداشتی، اثرات سو تغذیه و عدم فراهم کردن ابزارها و تجهیزات از سوی کارفرما.	مشکلات سلامت	پیامدها (منفی و مثبت)
21	منزوی شدن کودک در محیط کار به دلیل سن پایین، تمسخر از سوی همکاران و ترک کار، عصبانیت شدن کودک به دلیل توقیف اجنلس از سوی شهرداری، دعوای کارفرما با کودک به دلیل توقیف اجنلس، تجربه خشونت فیزیکی و کلامی از سوی کارفرما، ترس از کارفرما به دلیل تندخویی، آزار کودکان افغانستانی توسط کودکان ایرانی، عدم رعایت نوبت دلیل دعوای کار خیابانی، دعوای بر سر منافع، برخورد نامناسب شهروندان، آزار دختران در خیابان، کتک خوردن و تحقیر شدن توسط مأمور مترو، تهدید افراد دارای اعتیاد، پیشنهاد رابطه جنسی به کودک، نشان دادن عکس‌های مستهجن به کودک، انگ روسپیگری زدن به دختران، تنبیه کودک از سوی خانواده در صورت داشتن درآمد اندک، عورت نمایی راننده، درگیری میان فروشندگان در مترو، داشتن احساسات منفی به دلیل بهر مکشی کارفرما، تجربه خشونت از سوی مغازه‌دار، رواج شوخی‌های جنسی در میان کودکان، احساس حقارت برای فروش فال و کاهن عزت به نفس به دلیل تحقیر کودک.	تجربه خشونت‌ها	
22	نامتعارف بودن ساعت کار، سقوط از ارتفاع، تجربه فشار روانی به دلیل سنگین بودن کار، فشار به کودک به علت توانایی در تأمین هزینه‌های خانواده، صرف بخشی از درآمد برای روسپیگری، دعوای در محل کار در بین کودکان، زندگی گروهی با بزرگسالان در محیط کار، استعمال قلیان، گرمی وردی هوا برای کارهای همچون جوشکاری، مکانیکی، کوره‌های آجرپزی، بلورسازی، چرخی و زیاله‌گری، سلبه زورگیری، کم‌خوابی به دلیل فشار کاری زیاد، عصبانیت کودک از کم‌خوابی، زندگی جمعی در کلتکس، مصرف مواد در محل کار، پیاده‌روی طولانی، مصرف الکل، حمل سلاح سرد توسط کودک، مصرف مواد توسط کارفرما در محل کار، روابط جنسی کارفرما در محل کار، احتمال گشتن در خیابان، احتمال حضور فضاهای نامناسب، سوختگی در بلورسازی و مکانیکی، ایستادن طولانی در کارهای همچون جوشکاری، ترو باره، سوپرمارکت، دست‌فروشی، خستگی به دلیل داشتن شغل دوم، محل اسکان نامناسب و ناامن و دوری از خانواده و پیامدهای آنان.	انواع مخاطرات و آسیب‌ها	
23	شغل زیاد دستمزد بزرگسالان و کودکان علی‌رغم کار یکسان، عدم پرداخت دستمزد کسر از دستمزد در صورت اشتیاق از سوی کودک، نبود مرخصی به دلیل اسکان در محل کار، تغییر تقوالت به دلیل عدم افزایش حقوق، نداشتن دستمزد در روزهای مرخصی، عدم رضایت از میزان دستمزد دریافتی، جریمه به جهت تأخیر، ساعات کاری طولانی و دستمزد پایین، سهم اندک کودک از درآمد خود، پرداخت درآمد کودک به سرپرست خانوار، ترک کار به دلیل درگیری با کارفرما، پرداخت رسوم، تعیین قیمت خرید محصول کودک از سوی پیمان‌کار، کار در ساعات شب، کار بدون دستمزد برای خانواده، سوءاستفاده از کودکان بدون سرپرست، عدم پرداخت به‌موقع دستمزد، سهم اندک کودک از درآمد خود و نداشتن بیمه و سایر مزایای کار.	استثمار	
24	تأمین هزینه‌های اجاره، تأمین هزینه درمان اعضای خانواده، تأمین هزینه‌های خانواده، ارسال درآمد به افغانستان برای خانواده، تأمین هزینه‌های مدرسه و هزینه‌های شخصی، تأمین هزینه‌های عروسی خواهر، خرید برخی از اقلام روزانه منزل، دادن پول دستی به مادر و سایر اعضای خانواده.	تأمین بخشی از نیازهای	

26	حرفه‌آموزی، دوره کارآموزی رایگان، اهمیت یادگیری حرفه، مهاجرت برای حرفه‌آموزی، حرفه‌آموزی از پدر، انتخاب کارهای کارگامی برای یادگیری حرفه، اهمیت حرفه‌آموزی برای داشتن شغل مناسب در آینده، ارتقاء شغلی، تطبیق کودک با شرایط و یادگیری در طول زمان، محدودیت پیشرفت در کار کارگری و خیابانی از نظر خانواده، مهارت تعیین‌کننده میزان دستمزد، لزوم و یادگیری مهارت برای ارتقاء	خانواده حرفه‌آموزی و ارتقاء شغلی
----	---	--

خانوارهای فقیر یکی از منابع عمده کار کودکان هستند. جلوه‌های شناسایی‌شده فقر در خانوارها عبارت بودند از کار در مشاغل با درآمد اندک، بیکاری، درآمد پایین، بی‌سواد و تحصیلات پایین والدین، تعداد بالایی اعضای خانوار، بیماری، ازکارافتادگی، زندانی بودن و اعتیاد پدر، فوت سرپرست خانواده، رهاکردن خانواده توسط سرپرست یا پدر خانواده، فصلی بودن شغل سرپرست خانوار، بدهکار بودن خانواده، فرار از محیط ناسالم خانواده و هزینه‌های تحصیل. در این شرایط خانواده‌ها از نیروی کار کودکانشان به‌منظور جبران بخشی از هزینه‌هایشان استفاده می‌کنند. در مصاحبه با کودکی نقل کرده است: «با پولت چیکار می‌کنی؟ میدیم اجاره خونه، ما پولمون رو خرج نمی‌کنیم فقط هرچی در میاریم میدیم اجاره خونه و اینا [۱]. زیاد شده آلان؟ آره آلان دیگه زیاد کردن. قبلاً چند بود. قبلاً همین 800 بود ولی آلان زیاد کردن. آلان چقدر شده؟ نمیدونم. پولتو میدی به مامان یا بابا؟ به بابا میدیم، داداشم که میزنه به حساب صابخونه، خودشم ماهی یک میلیون می‌گیره میشه خرج خونه».

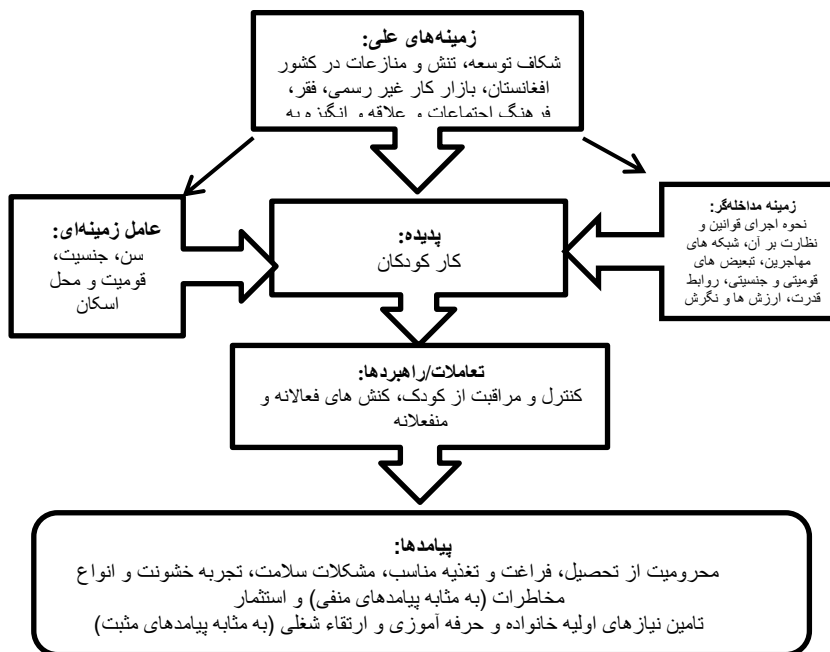
علاقه و انگیزه برای کار کردن یکی دیگر از عوامل کار کودکان است. برخی از کودکان دوستان دارند که کار کنند تا درآمدی داشته باشند و استقلال پیدا کنند و با در تأمین هزینه‌های خانواده مشارکت داشته باشند. البته انگیزه کودکان برای کار کردن محصول فضای اجتماعی است که در آن زندگی می‌کنند. زمانی که خانواده‌های آنان فقیر هستند و قادر به حمایت از آن‌ها به‌منظور دستیابی به برخی از آرزوهایشان نیستند، در این شرایط خود کودکان وارد چرخه کار می‌شوند تا با درآمدی که به دست می‌آورند به بخشی از آرزوهایشان برسند. آرزوهای مانند خرید دوچرخه، تأمین هزینه‌های تحصیل، کمک به خانواده و مانند این‌ها.

گسترش اقتصاد غیررسمی یکی دیگر از زمینه‌های کار کودکان است. کارگران در اقتصاد غیررسمی تحت قانون کار و حمایت اجتماعی شناخته‌شده، حمایت قرار نمی‌گیرند. دلایل اصلی رشد اقتصاد غیررسمی شامل عناصر مرتبط با زمینه اقتصادی، چارچوب‌های قانونی، نظارتی و برخی از عوامل تعیین‌کننده سطح خرد مانند سطح پایین تحصیلات، تبعیض، فقر، عدم دسترسی به منابع اقتصادی، دارایی، خدمات مالی و تجارت و بازارها نشان داده‌شده است. اقتصاد غیررسمی در طی چند دهه گذشته یکی از کانون‌های اصلی جذب کار کودکان بوده است. کار در اقتصاد غیررسمی غالباً با مکان‌های کاری کوچک یا تعریف‌نشده، شرایط کاری ناامن و ناسالم، سطح کم مهارت و بهرهوری، درآمد کم یا نامنظم، ساعات طولانی کار و عدم دسترسی به اطلاعات، بازارها، امور مالی، آموزش و فناوری مشخص می‌شود (پرتال سازمان بین‌المللی کار). یکی از نکات قابل‌توجه پیوند عمیق بین مهاجرت و بازار غیررسمی است. امواج مهاجرت چه از کشور افغانستان و چه از مناطق محروم به شهر تهران کار کودکان را در این شهر شکل داده و تقویت می‌کند. اقتصاد غیررسمی نیز نیروی کار ارزان می‌طلبد و مهاجران به‌خصوص کودکان بهترین نیروی کار ارزان برای این بخش هستند. مهاجرانی که مهارت ندارند، فاقد اسناد هویتی هستند و کودک هستند هم ارزان هستند و هم در صورتی که حقوقشان در کار پایمال شود نمی‌توانند از مسیرهای قانونی دادخواهی کنند. افرادی که در این بخش کار می‌کنند از تحصیلات، مهارت و همه آنچه آن‌ها را به‌منظور کسب کارهای شایسته برخوردار کند محروم هستند. یکی از متخصصان حوزه کودکی نقل کرده است: «این بخش از آنجای که یک بخش سنتی است و بسیاری از امور به‌صورت دستی و سنتی انجام می‌شود، نیروی کار ارزان مطلب، ببیند چه کسانی نیروی کار ارزان هستند، طبیعی است مهاجران اتباع، آن خانواده ایرانی که نقاط دورافتاده به تهران مهاجرت می‌کنند».

عدم توانایی دولت برای نظارت بر این بخش از یک‌سو و گسترش آن در چند دهه گذشته هر چه بیشتر باعث استثمار افشار آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و مهاجران غیرقانونی شده است. از آنجای که قواعد رسمی برای نظارت بر این بخش وجود ندارد، لذا قواعد فردی و خودسرانه کارفرماها جایگزین آن می‌شود. کارهای کودکان که در این مطالعه به بررسی آن‌ها پرداخته شد تقریباً بسیاری از آن‌ها در این بخش وجود دارند. جابه‌جای بار با چرخ‌دستی، زباله‌گردی، کار در بسیاری از کارگاه‌های تولیدی، کار در خیابان و کار در کارگاه‌های کوره‌پزی از این دست مشاغل هستند.

عوامل مداخله‌گر کار کودکان عبارت‌اند از نحوه اجرای قوانین و نظارت بر آن، شبکه‌های مهاجرین، تبعیض‌های قومیتی و جنسیتی، روابط قدرت، ارزش‌ها و نگرش‌ها، بهنجارسازی و میانجی‌گری. طبق قانون کار ایران کار کودکان زیر سن 15 سال ممنوع است؛ اما شاهد هستیم که بخش زیادی از کودکان در سن کمتر از 15 سال کار می‌کنند. بسیاری از بازرسان وزارت کار نظارتی بر کار کودکان ندارند لذا کارفرمایان قانون را دور می‌زنند و از کار کودکان استفاده

می‌کنند. حتی زمانی که بازرسان به‌منظور نظارت به آنجا رجوع می‌کنند کارفرمایان کودکان را به شیوه‌های مختلف پنهان می‌کنند. در مواردی دیگر که قوانین جمع‌آوری کودکان به اجرا گذاشته می‌شود باعث می‌شود برخی از کودکان شکل کارشان را تغییر دهند و از کارهای خیابانی وارد کارهای کارگاهی شوند.



شکل شماره 2. مدل زمینه‌ای کار کودکان در ایران

شبکه‌های مهاجرین نیز به ایجاد نقاط اتصال بین مبدأ و مقصد زمینه را برای کار کودکان فراهم می‌کند. همان‌گونه که شاهد هستیم کودکان برخی از قومیت‌ها در برخی از کارهای مشغول به فعالیت هستند، برای مثال زباله‌گردانان بیشتر اهل هرات هستند یا کودکانی که در تره‌بار کار می‌کنند بیشتر گُرد هستند. این شواهد نشان از اهمیت شبکه‌های مهاجرت در اتصال به کار دارند. تبعیض‌های قومیتی و جنسیتی یکی دیگر از پیش‌ران‌های کار کودکان است. بخشی از تبعیض‌های قومیتی تحت تأثیر همان الگوی توسعه نامتوازن است، اما تنها به آن خلاصه نمی‌شود. برخی از اقوام در ایران از تبعیض‌های ساختاری رنج می‌برند. زنان نیز از این تبعیض‌های ساختاری رنج می‌برند. برای مثال دستیابی آنان به برخی از فرصت‌های محدود شده است. نتیجه تبعیض‌های ساختاری چیزی نیست جز محدودیت دسترسی به فرصت‌ها و لذا فقر. روابط قدرت نیز یکی دیگر از عوامل مداخله‌گر است. به دلیل نبود قوانین برای تنظیم رابطه بین کارفرما و کارگر در بخش غیررسمی و دور زدن قوانین در بخش‌های دیگر آنان از نیروی کار سوءاستفاده می‌کنند.

محل اسکان، سن، جنسیت و قومیت به‌مثابه عوامل زمینه‌ای نیز در کار کودکان و شکل آن مؤثر است. برای مثال به لحاظ محل اسکان کودکانی که در محله فرحزاد کار می‌کنند بیشتر وارد کارهای مکانیکی و کار در خیابان در مناطق شمالی‌تر می‌شوند، یا بخشی از کودکان در مناطق مرکزی شهر تهران وارد کارگاه‌های تولیدی می‌شوند و بخشی از کودکان در جنوب تهران وارد کار در بخش کشاورزی. در بسیاری از کارها سن نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. برای مثال در کارهای خیانی مانند دست‌فروشی، گل‌فروشی و تکدی‌گری کودکان با سن پایین بیشتر موفق به کسب درآمد می‌شوند چراکه بهتر می‌توانند ترحم دیگران را جلب کنند درحالی‌که برخی از کارها که به میزانی از قدرت بدنی و دقت نیاز دارد مانند کارهای ساختمانی، زباله‌گردی، مکانیکی، نیازمند کودکان با سنین بالاتر است. به همین ترتیب جنسیت و قومیت نقش مهمی در شکل کار دارند. دختران بیشتر در کارهای مانند کار خانگی، خیاطی و دست‌فروشی کار می‌کنند، چراکه بسیاری از سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی مخالف کار کردن آن‌ها در اشکال دیگر کار است. دختران حتی اگر در کارهای خیابانی و دست‌فروشی هم فعالیت داشته باشند اغلب تا قبل از سن بلوغ اجازه کار به آن‌ها داده می‌شود و پس‌از آن باید داخل خانه کار کند چراکه در میان برخی از اجتماعات همچون افغانی‌ها کار دختران در خیابان در تضاد با ویژگی‌های زنانه خوب برای ازدواج و نقش همسر داری است. عامل میانجی‌گری نیز به‌واسطه شدن خانواده‌ها، شبکه‌های دوستی و سازمان‌های

مردم‌نهاد اشاره دارد که برای کودکان کار پیدا و آنان را وارد چرخه کار می‌کنند. منظور از سازمان‌های مردم‌نهاد برخی از آن‌ها هستند که در مواردی برای کودکان تحت پوششان کار پیدا می‌کنند.

راهبردها در کار مجموعه‌ای کنش‌های و کنش‌های متقابل کودکان و شبکه‌های حمایتی آنان برای کسب درآمد بیشتر، ارتقاء موقعیت شغلی، اجتناب از مخاطرات کار، خشونت‌ها و دفاع از حقوقشان و سایر مسائلی که در کار با آن مواجه می‌شوند است. مجموعه این راهبردها به دو نوع کلی تقسیم‌بندی می‌شوند، آن‌ها یا راهبردهای فعال هستند و یا انفعالی. هرکدام از این راهبردها می‌توانند مؤثر باشند یا نباشند. گاهی اوقات راهبردی منفعل می‌تواند مؤثر باشد. مثلاً زمانی که کودک زباله‌گرد برای اینکه از طرف شهروندان برای او مزاحمتی ایجاد نشود با اتخاذ کمترین تعامل و مواجهه به آن‌ها کارش را پیش می‌برد، یا پرخاشگری و دعوا با کارفرما مبنی بر دریافت دستمزد گرچه یک راهبرد فعال است، اما لزوماً همیشه به نتیجه مثبت منجر نمی‌شود.

راهبردهای کودکان بسته به نوع کارها و پیچیدگی هرکدام از آن‌ها برای موفقیت در کار یعنی کسب درآمد بیشتر و ارتقاء شغلی عبارت‌اند از برانگیختن و جلب ترحم شهروندان به‌صورت کلامی همچون «ترو خدا یه دونه ازم می‌خری» و عملی همچون مشق نوشتن به هنگام کار در گوشه خیابان، محافظت از قلمرو، تغییر محل کار یا شکل کار، گونه‌شناسی شهروندان و شناسایی مشتریان از میان آنان و رفتن به سراغ آن‌ها همچون دختران و پسران جوانی که باهم هستند (این راهبردها بیشتر در کارهای خیابانی وجود دارند)، کارکردن بدون حاشیه، در سایه بودن و تقسیم کوچه‌ها (در کار زباله‌گردی)، مطیع بودن، حرف‌شنوی و جلب اعتماد کارفرما در کارهای کارگاهی، جلب رضایت مشتریان، تلاش برای دریافت انعام، یادگیری مهارت و اثبات خود، چانه‌زنی با کارفرما و انجام کار به‌صورت کارکنترات مثلاً در کار برداشت محصولات در کشاورزی. راهبردهای کودکان و شبکه‌های حمایتی‌شان در مقابله با اذیت و آزار و یا حفظ امنیتشان و مقابله با استثمار عبارت‌اند درخواست از کارفرما برای پرداخت دستمزد به‌صورت هفتگی، پرخاشگری و دعوا در برابر تجربه خشونت، فرار از دست مأموران طرح‌های جمع‌آوری و انضباط شهری، کار به‌صورت شبکه‌های خویشاوندی و دوستی، کمک گرفتن از شبکه‌های حمایتی همچون خانواده، دوستان، بستگان و آشنایانشان، ایجاد و توسعه روابط با سایر افرادی که در محل کار حضور دارند و تغییر شکل کار. گاهی اوقات ممکن است آنان انفعالی‌ترین راهبردها را برگزینند به‌گونه‌ای که از شبکه‌های حمایتشان کمک نگیرند و یا خشونت و آزار را بپذیرند. یکی از کودکان در برابر تجربه آزار گفته است «یه جا که خلوته میرم با خودم حرف می‌زنم بعد تو دفتر خاطراتم می‌نویسم». تیکه بر باورهای مذهبی یکی دیگر از راهبردهای کودکان برای کاهش آلام ناشی از کار یعنی تجربه خشونت و استثمار است. کودکی نقل کرده است «من یه آدمی هستم بهشون گفتم دنیا ارزشی نداره می‌خوای پولم رو بخور، رفته دیگه دنیا می‌گذره، بعضی وقتا هم باهاشون سلام‌علیک می‌کنم، آدمی نیستم که به دل بگیرم، میگم شاید قسمت این بوده، شاید خواست خدا بوده».

در نمودار زمینه‌ای در بالا پیامدهای کار نشان داده شده است و توضیح برخی از آن‌ها در جدول بالا آمده است. در اینجا به توضیح برخی دیگر از پیامدها پرداخته می‌شود. یکی دیگر از پیامدهای کار که تقریباً در همه کارها وجود دارد ترک تحصیل است. قبل از هر چیزی باید گفت برای تعدادی از کودکان همچون تعدادی از کودکان افغانستانی و کولی‌ها امکان رفتن به مدرسه وجود ندارد چراکه آنان فاقد مدارک شهروندی همچون شناسنامه یا برگه اقامت هستند، از این رو عدم فراهم بودن امکان تحصیل برای آنان باعث ورود آن‌ها به کار می‌شود. کودکانی که کار می‌کنند نیز به دلایل مختلف مجبور به ترک تحصیل هستند. در برخی از موارد کارفرما نمی‌پذیرد که کودک به‌صورت هم‌زمان کار و تحصیل کند چراکه در روند بخشی از کارهای اختلال به وجود می‌آید.¹³ در برخی از موارد که کودکان برای رفتن به مدرسه مرخصی می‌گیرند کارفرما دستمزد آن روز آنان را پرداخت نمی‌کند. یکی از کارفرما نقل کرده است: «معمولاً بچه‌ها غیبت نمی‌کنن، می‌ترسن؛ ترسشون هم خیلی از دست دادن کار نیست، ترسشون از دست دادن حقوق اون روزه».

کار نیز به اشکال مختلف در تحصیل کودکان اختلال به وجود می‌آورد. ممکن است که کودک در کنار کار به مدرسه نیز برود اما ترکیب کار سنگین و آموزش فشار مضاعفی را بر آنان وارد می‌کند. آنان در برخی از مواقع ممکن است چند ساعت را کار کنند سپس به مدرسه برگردند و باز هم به سر کار بازگردند. این شکل تحصیل کردن تنها باعث می‌شود که کودکان فشار مضاعف را تجربه کنند. مددکاران اجتماعی نقل کرده است: «یه وقتایی حس می‌کنم ما هم از بچه‌ها انتظار زیادی داریم، مثلاً بهش بگیم ببین اگر می‌خوای درس بخونی اینجوریه و اونجوری ساعت ناهار تو بیا، مثلاً شما فکر کنید بچه از ساعت هشت صبح بدو بدو میره اونجا، ناهار میاد اینجا، خوب طبیعی که باعث سرخوردگی او بشه، احساس فشار مضاعف کنه».

13. البته دسته‌ای از کارفرماها هستند که از تحصیل کودکان حمایت می‌کنند.

مورد آخری که نیاز است بیشتر به آن پرداخته شود استثمار است. به‌طور خلاصه استثمار عبارت است از ربایش بخشی یا همهی ارزش‌افزوده‌ای که کودک در کار خلق می‌کند. استثمار به‌صورت ساعات کار طولانی و کار در ساعات غیرمعارف، کار در شرایط سخت، پرداخت دستمزد اندک یا عدم پرداخت آن، فقدان سایر حمایت‌ها، فریب کودکان، عدم پرداخت دستمزد در روزهای که کودک مرخصی می‌گیرد، کم کردن از دستمزد در صورت صدمه زدن به ابزار کار و محصول، پرداخت پول از سوی کودکان برای کار کردن همچون «رسوم» در زباله‌گردی، پرداخت حق کمسیون در کار با چرخ‌دستی، پرداخت پول لباس کار در کارهای مختلف و پرداخت بخشی از درآمد روزانه‌شان به کارفرما مانند گل‌فروشی در چهارراه‌ها یا به هنگام کار با چرخ‌دستی زمانی که برای کارفرما کار می‌کنند، تعیین قیمت فروش محصول کودک همچون زباله‌ها و خرید آن‌ها به قیمت بسیار پایین و عدم فراهم کردن تجهیزات کار است. کودکان نیز به دلیل عدم آشنایی با قوانین و دفاع از حقوق خود زمینه‌های استثمار را فراهم می‌کنند که در بسیاری از موارد کارفرمایان خواهان استفاده از آنان هستند. یکی از کارفرماها نقل کرده است: «راضی هستم از کارکردن بچه‌ها؟ من میگم بعضی وقتا این بچه‌ها از صد تا بزرگ بهترن. بهترن؟ چون هم صادق‌ترن هم حرف‌گوش‌کن‌ترن هم بیشتر میترسن تا آدمای جونی که کله‌شون باد داره».

در بسیار از موارد کارفرما با توجیهاتی همچون کودک نان‌آور خانواده نیست و مهارت کافی ندارد دستمزدهای بسیار اندکی به آنان پرداخت می‌کنند. غیرقانونی بودن کار کودکان زیر 15 سال و عدم اجرای قانون نیز زمینه را برای استثمار کودکان فراهم کرده است، چراکه هیچ سازوکار قانونی برای حمایت از کودکان در صورت استثمار و سایر مخاطرات کار فراهم نیست. کارفرماها بدون اینکه ترسی از قانون و نظارت داشته باشند کودکان را در بدترین شرایط به کار می‌گیرند و حداقل دستمزد را به آنان پرداخت می‌کنند. در گفتگو با متخصص حوزه کودک ایشان بیان کرده‌اند: «کودک کمتر از 15 سال اجازه شکایت ندارد. دولت ما عملاً به‌جای اینکه بازرسی کند و مانع کار کودکان بشه عملاً با عملکرد وزارت کار نه‌تنها مانع کار کودکان نشده است بلکه مشوق‌هایی هم به آن‌ها داده. بزرگ‌ترین مشوق این است که با هر مبلغ حقوق و هر شرایطی می‌توان کودک کارگر را راضی کرد. چراکه اگر بزرگ‌سال شکایت کند کارفرما همیشه ترس از این دارد ولی کودک حتی دادخواستش را هم ثبت نمی‌کنند».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد کودکان در شهر تهران در اشکال مختلفی از کارها همچون کار در خیابان، زباله گردی، کارگاه‌های گل، تربار، کوره‌های آجرپزی، بلورسازی، مغازه‌ها و رستوران‌ها، کار خانگی و غیره کار می‌کنند و هرکدام از آن‌ها با مجموعه شرایط و پیامدهای خاص مواجه هستند. به لحاظ شرایط علی مشکلات اقتصادی خانوارها و تأمین بخشی از هزینه‌های خانوار یکی از علل اصلی کار است که با یافته‌های مطالعات این حوزه همسو است. این دسته از خانوارها کودکان‌شان را وارد کارهای مختلف می‌کنند که امکان کسب درآمد از طریق آن‌ها وجود دارد. در برخی از کارها همچون کارهای کارگاهی که کودکان به دنبال یادگیری مهارت هستند هدف اصلی خانوار تأمین درآمد از قبیل کار کودک نیست بلکه یادگیری کسب مهارت به‌منظور اشتغال در آینده هدف اصلی است. این دسته از خانواده‌ها بر این باورند که تحصیل منجر به یادگیری مهارت و اشتغال نمی‌شود. برای تعدادی دیگر از کودکان یعنی آن‌های که فاقد حقوق شهروندی‌اند، امکان ورود به مدرسه و تحصیل فراهم نیست. برخی از کارهای دیگر همچون زباله گردی که یکی از بدترین شکل کار کودکان است، شبکه‌های مهاجرت و خویشاوندی کودکان نقش تعیین‌کننده‌ای در کار داشت.

در کنار فقر باید به نقش قوانین و نحوه اجرای آن‌ها به‌عنوان یکی از بسترهای کار کودکان اشاره کرد. در قانون کار کودکان 15 الی 18 سال مشروع است و مجریان قانون با عدم اجرای قانون به‌ویژه در کارگاه‌ها و کارهای سازمان‌یافته همچون در تره‌بارها و زباله گردی زمینه کار کودکان را فراهم آورده‌اند. شاهد هستیم که بسیاری از کودکان حتی کمتر از 15 سال در طیف مختلفی از کارها کار می‌کنند بدون اینکه مجریان اجرای قانون همچون وزارت کار مانع کار کودکان شوند. گسترش بخش غیررسمی نقش به سزای در تقویت این فرایند داشته است چراکه اساساً این بخش، از حوزه نظارت خارج است و مجریان نیز تلاشی برای رسمی کردن آن نمی‌کنند. طرح‌های ساماندهی نیز که بیشتر اغلب متوجه کودکان خیابانی است تنها به جمع‌آوری کودکان بدون توانمندسازی آنان و خانواده‌هایشان معطوف است و نتیجه مطلوبی را همراه ندارد. این طرح‌ها در برخی از موارد باعث شده‌اند تعدادی از کودکان از کارهای خیابانی وارد کارهای کارگاهی با مخاطرات بیشتر شوند.

نتیجه کار کودکان مجموعه‌ای از آسیب‌های ریزودرشت است که سلامت آنان را در ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی به خطر انداخته است، مانع تحصیل آنان می‌شود و توانمندسازی آنان را با اختلال اساسی مواجه کرده است.

تعدادی از کارها همچون زباله‌گردی، کار در کوره‌های آجرپزی و برخی از کارهای کارگاهی جزو بدترین اشکال کار کودکان هستند و لازم است دولت‌ها نسبت به حذف آن‌ها بی‌درنگ اقدام کنند. با تداوم روند کنونی نه تنها شاهد حذف کار کودکان از جمله بدترین اشکال کار نیستیم بلکه تبعات ناگوار کار باقی خواهند ماند و بر گستره آن‌ها افزوده خواهد شد.

پیشنهادهای

در بخش زیر مجموعه از پیشنهادها که منتج از مصاحبه با متخصصان این حوزه، اسناد موجود و یافته‌های پژوهش است به‌منظور حذف کار کودکان ارائه می‌شود:

1. تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه متوازن در کشور و توجه به تبعیض مثبت به نفع مناطق کم برخوردارتر به‌منظور مبارزه با فقر و نابرابری. توجه به اشتغال مرتبط با تحصیل در این مناطق می‌تواند یکی از محرک‌های تشویق کنند تحصیل کودکان باشد.
2. شناسایی کودکان کار و خانواده‌های آنان در طرحی ملی و پی‌ریزی برنامه‌های جامع برای مبارزه با فقر و توانمندسازی آن‌ها.
3. فراهم کردن فرصت‌های تحصیلی برای کودکان فاقد شناسنامه از طریق شناسنامه‌دار کردن آن‌ها و تشویق آنان به تحصیل.
4. تقویت بستر حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد، توانمندسازی و حمایت از آن‌ها.
5. توسعه سازوکارهای مناسب با محوریت وزارت رفاه و وزارت کشور سازمان بهزیستی به‌منظور اجرای قانون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن.
6. توجه به کاهش باروری در میان خانوارهای فقیر و ارتقاء کیفی زندگی این خانوارها در سیاست‌های جمعیتی کشور.
7. توجه به آموزش رایگان به‌ویژه در مناطق محروم و فراهم کردن کلاس‌های آموزشی برای کودکان در مناطق کار و اسکان آن‌ها همچون در کوره‌های آجرپزی، سایت‌های تفکیک زباله و مانند این‌ها، مدارس سیار و کانکسی می‌توانند یک گزینه باشند.
8. ارائه آموزش‌های حرفه‌ای برای کودکانی که سن آنان بیشتر است، به‌خصوص برای کودکان بالای پانزده سال، این آموزش‌ها باید متناسب با سن و شرایط کودکان باشد.
9. آموزش حقوق کودکان در مدارس و سازمان‌های مردم‌نهاد.
10. رسمی سازی بازارهای کار غیررسمی بر اساس توصیه‌نامه 204 در خصوص گذار از اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی.
11. لزوم همکاری سمن‌ها با همدیگر و سایر نهادهای محلی به‌منظور هم‌افزایی در حمایت از کودکان کار.
12. مطالعه سایر اشکال کار کودکان همچون کار کودکان در مناطق روستایی، کار خانگی، قاچاق کودکان، استفاده از کودکان برای ارتکاب برخی از جرائم و غیره.

منابع

- افراسیابی، حسین؛ کلاته ساداتی، حسین و صبور، مریم. (1400). دلایل شکل‌گیری کار کودکان از منظر فعالان این حوزه؛ مطالعه کیفی در شهر یزد. *مذکاری اجتماعی*. 10 (1): 56-67.
- احمدی، کامیل و همکاران (1400)، ردپای استثمار در جهان کودکی، انتشارات آوی بوف، دانمارک
- انجمن حمایت از حقوق کودکان. (1398). یغمایی کودکی. پژوهشی در باب شناخت، پیش‌گیری و کنترل پدیده زباله گردی کودکان در تهران. تهران: روز.
- ایمانی، نفیسه؛ نرسیسیانس، ایملیا. (1390). مطالعه انسان‌شناسانه پدیده کودکان کار خیابانی در شهر کرج. *مسائل اجتماعی ایران*، 3 (1)، 7-32.
- حسینی، سید حسن (1383). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. *رفاه اجتماعی*، 5 (19)، 155-173.
- رئیس، دانا؛ فریبرز. (1382). واکاوی کار کودکان در ایران. *رفاه اجتماعی*. 2 (7): 231-47.
- زارع، شایبادی اکبر؛ حاجی‌زاده میمنده، مسعود و اکبری قورتنی، صدیقه. (1388). نقش خانواده نابسامان بر پدیده کودکان کار (مطالعه موردی استان یزد). *انتظام اجتماعی*. 1 (3): 30-52.
- زندرسوی، سیامک؛ رحیمی پورانارکی، ناهید (1390). مقایسه وضعیت کودکان کارگر ایرانی و افغان در استان کرمان بر پایه چهار اصل پیمان‌نامه حقوق کودک (سه اصل جامعه‌شناختی و دو رامل). *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، 5 (1)، 72-98.
- صفی‌خانی؛ ثمره. (1395). کار کودکان در کوره‌های آجرپزی تحلیل شبکه روابط و اجتماعی یک کوره. *فصل‌نامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. 13 (46): 178-206.
- کرمان، فرانک؛ میرک زاده، علی‌اصغر و زرافشانی، کیومرث. (1395). تحلیل زمینه‌ها و علل به‌کارگیری کودکان در فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی. (مطالعه موردی: دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی. 5 (3): 163-78.
- فیروزآبادی؛ سیداحمد؛ رضانیان؛ زهرا. (1393). مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر کار کودکان و پیامد آموزشی ناشی از آن. (مورد مطالعه روستای کراده، شهرستان جهرم). *مسائل اجتماعی ایران*. 4 (1): 69-92.
- قاسمی، افسانه؛ روشنفکر، پیام و دیگران. (1397). ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی کودکان خیابان و عوامل مرتبط با خیابانی شدن آن‌ها: مطالعه ارزیابی سریع وضعیت در کرمانشاه. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. 8 (1): 87-114.
- میرک‌زاده؛ علی‌اصغر؛ زرافشانی، کیومرث و کرمان، فرانک. (1395). شناسایی آسیب‌های پیش روی کودکان کار روستایی در فعالیت‌های کشاورزی دهستان ماهیدشت. پژوهش‌های روستایی. 7 (3): 25-516.
- وامقی، مروئه؛ رفیعی، حسین و دیگران. (1390). مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه اخیر ایران: عوامل خانوادگی مرتبط و پیامدهای خیابانی شدن کودکان. *مسائل اجتماعی ایران*. 2 (1): 66-135.
- وامقی، مروئه؛ دژمان، معصومه و دیگران. (1392). ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی در شهر تهران، 1392 (علل و خطرهای کار کودکان در خیابان). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. 4 (1): 33-51.
- وامقی، مروئه؛ روشنفکر، پیام و دیگران. (1394). بررسی ترکیبی و ارزیابی سریع وضعیت کودکان خیابانی و ویژگی‌های کار آنان در تهران. *بررسی مسائل اجتماعی*. 6 (2): 391-416.
- وامقی، مروئه و یزدانی، فرشید. (1398). گزارش وضعیت کار کودکان در ایران. *در آسیب‌های اجتماعی و نابرابری: دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران 1388-1396*. (ج 2، ص 150-95). تهران: آگاه.

- Arnold, T. J., Arcury, T. A., Sandberg, J. C., Quandt, S. A., Talton, J. W., Mora, D. C., ... & Daniel, S. S. (2020). Heat-related illness among Latinx child farmworkers in North Carolina: a mixed-methods study. *New solutions: a journal of environmental and occupational health policy*, 30(2), 111-126.
- Bronfenbrenner, U. (1994). Ecological Models of Human Development .in T. Husen and T.N. Postlethwaite (eds) *International Encyclopedia of Education*, 2nd edn, pp. 1643–7. New York: Elsevier Science.
- Canagarajah, S., & Nielsen, H. S. (2001). Child labor in Africa: A comparative study. *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 575(1), 71-91.
- Diallo, Y., alex Etienne, & Mehran, F. (2013). *Global child labour trends 2008 to 2012*. ILO.
- Emerson, P. M., & Knabb, S. D. (2006). Opportunity, inequality and the intergenerational transmission of child labour. *Economica*, 73(291), 413-434.
- Fyfe, A. (1989). *Child labour*. Cambridge, MA: Polity Press.
- Grootaert, C., & Kanbur, R. (1995). Child labor: A review. *Available at SSRN* 620526.
- Jha, M. (2009). Child Workers in India: Context and Complexities. *Human Rights Review* 10: 205–18.
- International Labour Organization and United Nations Children’s Fund (2021). CHILD LABOUR, GLOBAL ESTIMATES 2020, TRENDS AND THE ROAD FORWARD.. Available online at: https://www.ilo.org/ipec/Informationresources/WCMS_797515/lang--en/index.htm (accessed 17 December 2020).
- Hendrickson, M.D. (2009) ‘Childhood and Child Labor in the Brazilian Amazon’, paper presented at the University of Pittsburgh Latin American Studies Association International Congress, Rio De Janeiro, Brazil.
- Hurst, P. (2007). Health and child labor in agriculture. *Food and nutrition bulletin*, 28(2_suppl2), S364-S371.
- Liao, M., & Hong, J. S. (2011). Child labor in the People’s Republic of China: An ecological systems analysis. *International Social Work*, 54(4), 565-579.
- Karatay, A. (2000) Istanbul’un Sokaklari ve Calisan Cocuklar’, in S.U. Sayita and M.R. Sirin (eds) *Istanbul Cocuk Kurultayi Arastirmalari Kitabi*. pp. 453–541. Istanbul: Istanbul Cocuklari Vakfi.
- Kazeem, A. (2012). Children's Work in Nigeria: Exploring the Implications of Gender, Urban–Rural Residence, and Household Socioeconomic Status. *The Review of Black Political Economy*, 39(2), 187-201.
- Khan, S., & Hesketh, T. (2010). Deteriorating situation for street children in Pakistan: a consequence of war. *Archives of disease in childhood*, 95(8), 655-657.
- Maconachie, R., & Hilson, G. (2016). Re-thinking the child labor “problem” in rural sub-Saharan Africa: The case of Sierra Leone’s Half Shovels. *World development*, 78, 136-147.
- Mull, L. D., & Kirkhorn, S. R. (2005). Child labor in Ghana cocoa production: focus upon agricultural tasks, ergonomic exposures, and associated injuries and illnesses. *Public Health Reports*, 120(6), 649-655.
- Salmon, C. (2005). Child labor in Bangladesh: Are children the last economic resource of the household?. *Journal of Developing Societies*, 21(1-2), 33-54.
- Sensoy Bahar, O. (2014). An overview of the risk factors that contribute to child labor in Turkey: Implications for research, policy, and practice. *International Social Work*, 57(6), 688-697.

- Sensoy Bahar, O. (2016). How do low-income Kurdish migrant families in Turkey negotiate child/adolescent characteristics in child labor decisions? Insights from Kurdish mothers. *Qualitative Social Work*, 15(1), 11-34.
- United Nations (UN) (1990). Convention on the Rights of the Child. Available online at: <http://www2.ohchr.org/english/law/pdf/crc.pdf> (accessed 17 November 2020).
- United Nations Children's Fund (UNICEF) (2007) 'Child Protection from Violence, Exploitation and Abuse'. Available online at: http://www.unicef.org/protection/index_childlabour.html (accessed 25 December 2020).
- White, B. (2009). Social science views on working children.
- Wolfe, J. H., & Dickson, M. A. (2002). Apparel manufacturer and retailer efforts to reduce child labor: An ethics of virtue perspective on codes of conduct. *Clothing and Textiles Research Journal*, 20(4), 183-195.

پرتال سازمان بین‌المللی کار. بازیابی در 4 دی 1399. از:

<https://www.ilo.org/global/topics/dw4sd/themes/informal-economy/lang--en/index.htm>.